

خواننده های عزیز بچون همه تون در این یکی دومرتبه که من بخودم فشار آوردم به لفظ قلم چیز بنویسم دیدم ازم نیاید یعنی اینکه درس مطلوبو نیدونم بیرونوم این بود که از این دفعه نیت کردم بامید پروردگار بزبون خودمون چیز بنویسم حالا اگه مدرسه رفته ها هم بریش ما بخندن عیبی نداره مابه بزرگواری خودمون می بخشم.

خلاصه کلام بشما هم بخوام امروز یک نصیحت بکنم. دردنا هرکاری خواستید بکنید بکنید اما سعی کنید نویسنده نشید برای اینکه نویسندگی کار پردردسریه اگه آدم بخواد مردمو از خودش راضی نگه داره باید هرچی میینه هیچی نگه وبقول قدسیهالشو تو بناداره هون. اونوقته که پیش وجدان خودش شرمنده وپهلوی خدا وخلق خدا مسئوله برای اینکه وظیفه خودشو انجام نداده مسله که نوشته اش هم بلعت خدا نیارزه اما اگه بخواد درس و حسابی هر جا عیب میینه بگه عیب وهرجا حسن میینه بگه حسن چونکه در این دوره وزمونه خوبی خیلی کم پیدا میشه همه را دشمن خودش میکنه وازچپ و راست فحش و نفرینه که تارش میکنن.

از شما چه پنهون هنوز ما قلدونا از پرشالدون دریاوردیم تیرتبت وافتراست که از هر طرف بهمون یرتاب میشه هرکدوم از بچه ها به جور بهمون ذهن کجی میکنن برای نمونه حرفهای یکیشونا براتون نقل میکنم همین هفته گذشته داش پروا نکه از رفقای قدیمیونه هم مکتبی هم بودیم با توپ و تشر می گفت «آقای فضولباشی از توهم ما امینمونو نباید بیریم توهم معلوم میشه اهل لیکلی از این دارو و دستها هستی چرا تازمونی که فلانی رئیس انجمن کلیبان بود جیکت در نومد همچی که یارو رفت بزبون در آوردی ومیکی چرا بچه ها تو انجمن بکارهای خصوصی رسیدگی میکنن و بدر ملت نیرسن اگه راس میگی واز کسی خورده برده نداری اونهایی که اینجاستن از شون عیبجویی کنن چرا از همین نشریه که سر تاته هزار ایراد داره هیچی نمیکی؟

چرا از اونهاییکه بقول تازه ما مرتجع شدن وبنام مذهب ودیانت میخوان عوام فریبی بکنن (در صورتیکه خودشون کتر از همه یابند امور مذهبی هشتین) دم نینزنی چرا از اوناییکه تا چن سال پیش هويت و ملتیشون معلوم نبود ولی امروز که گویا بقرمه سبزی بدماغشون خورده دودستی سنک ملت پهودرابسته مینن حرفی نیزنی صبر کردی هر وقت اونوا هم رفتن پشت سرشون حرف مینزنی؟ گفتم رفیق زیاد عجله نکن اولاً من هنوز پیش روی کسی هم حرف نزدنم تاچه برسه پشت سرش دوتا نومه اونم خیلی با احتیاط نوشتم و آنکمی:

هنوز اول عشق است اضطراب مکن توهم بطلب خود میرسی شتاب مکن من چون از بچگی فضول بار اومدم اگه احياناً به وقت گزارم به پشت هم یفته یقین بدون خواهم گفت چرا درخت سرو با قد باین بلندی نه گل حسابی میدنه میوه بدردخوری داره البته اونهم نباید از من کینه ای در دل بگیره اگرواقعاً محاسنی داره که من نی بینم صاف وبوست کنده بهم بگه واکر هم بوو خاصیتی نداره وسر تاته عیب افلا بفرک اصلاح خودش یفته . مخلص شما فضولباشی

کامیابی هم نقشه میخواهد هم برنامه

او رایبیه امروز رسانیده واینک چون بهدف خود نائل وامور کارخانه بدست رؤسای مسئول واقع شده وکارها بطور اتوماتیک انجام میگردد منکر لزوم نقشه و برنامه میباشد ونیداند که اگر رؤسای قسمتهای مختلفه کارخانه آبی در نقشه وبرنامه خود غفلت ورزند امور آنها بکلی مختل خواهد شد. خیلی دور نرویم جنگ اخیر که همه شاهد آن بوده ایم آیا غیر از اینست که طرفین دارای نقشه وبرنامه دقیق بوده اند؟ البته خیر هر دو با کمال دقت نقشه خود را اجرا میکردند فقط چیزی که هست هر کدام نقشه بهتر و صواب تر داشتند موفق گردیدند.

مثال ساده ذیل لزوم هدف، نقشه و برنامه را کاملاً برای ما ثابت می کند؛ شاگرد بنا وعمله هر دو زیر دست بنا کار میکنند اولی چون نقشه بنا و معمار شدن را در سر خود میبروراند بعد از مدتی بهدف خود میرسد ولی دومی بعلت نداشتن چنین نقشه ای همیشه عمله خواهد بود تنها چیزی که بیشتر باعث تعجب میشود آنستکه نویسنده محترم مقاله فوق الذکر آقای فورد را فیلسوف ودانشمند معرفی کرده وخواسته است ارزش بیشتری برای سخنان مشارالیه قائل شود نگارنده نمیتوانم این موضوع را نه تکذیب کنم ونه تأیید ولی تا کنون نشنیده بومد و فعلاً هم آثاری از او جز چندین میلیون ثروت مشهود نیست که دلالت بر صحت این ادعا بنماید بر واضح است که ثروت و طرق

بقیه از صفحه ۵۵۷

۳- اندک رنج نباشید. اگر مطلبی را برای چاپ فرستادید و چاپ نشد مایوس نشوید رنجش هم حاصل نکنید هیئت تحریریه عالم پهود با ملاحظه ومطالعه اوضاع واحوال عالم پهود مندرجات خود را انتخاب میکند همیشه مصلحت عام را بالای مصالح دیگر قرار میدهد اگر مقاله شما چاپ نشد بیمل واراده مانیست بلکه بنا ب حفظ مصالح عالیه کشور ومیمن عزیز ما ایران و برای حفظ مصالح برادران پهودیست.

۴- مدتی است دوشیزها و خانمهای پهودی شهرستانها از جمله دو شیزه اشرف لؤلؤئی با مراجعه وشکایت دارند که خانمها برای ابراز فعالیت ومخصوصاً برای تکمیل تحصیلات وتعلیم نو آموزان آماده هستند ولی جمعی از مردان وکهن سالان با آنها مخالفت منمایند. لازم است توجه جوانان ومخصوصاً دوشیزگانرا معطوف بداریم که بنا باصل کلی همیشه یک مبارزه دائمی بین پیر وجوان و کهنه و نو وجود دارد پیر وکهنه برسوم وعادت گذشته مقید است فرض میکند اگر باین رسوم اعتنا نشود اوضاع کواکب و منظومه شمسى وحتی هستی بشر بهم می خورد این عادت ورویه آدمیان بوده ومیباشد هم بهمین منوال خواهد بود جوان و نوبا روحیه تازه ونفس تازه ومقتضیات نو خود را برای ابنای نو آماده میکند و تازمانیکه رسوم کهنه را بهم نریزد و در نوردن توفیق حاصل نمیکند پس از این مخالفت طبیعی است واصلاح پذیر هم نخواهد بود یک تفاوت میان ملل وامم بنا به سبب خلقت هاموجود است و آن تفاوت در چگونگی این مبارزه است که در بعضی این مجادله بصورت نامطلوب فرمان روا وبابی حیائی وخیره گمی در می آید و در برخی دیگر نزاکت های اخلاقی رعایت می شود و این مبارزه بنا به تقاضای شیرین جلوه میکند بهر صورت که باشد پیروزی با جوانان است بهتر است پیران کتر سرسختی کنند ونگذارند مکارم اخلاقی اجباراً بین جوانان فراموش شود.

بدست آوردن آن انسان را فیلسوف ودانشمند نمیکند. منظور نویسنده از سطور بالا آن بود که کامیابی مستلزم داشتن هدف، نقشه و برنامه میباشد (عطا الله لوائی)

شرکت سهامی چاپ

شنبه ۱۶ بار
بهار ریال
قسمت
۳۴

عالم پهود

عالم پهود

نشانی دفتر

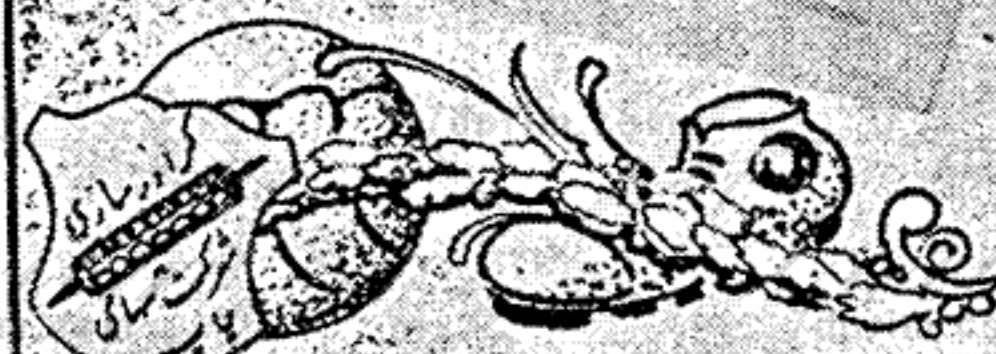
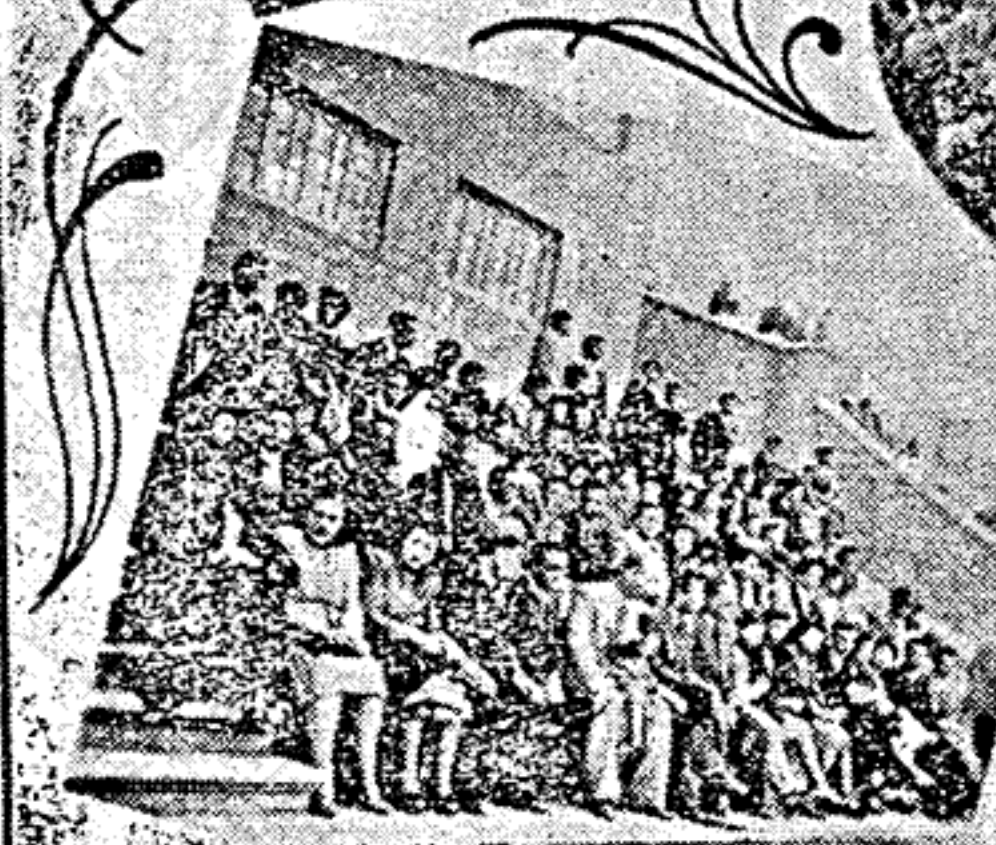
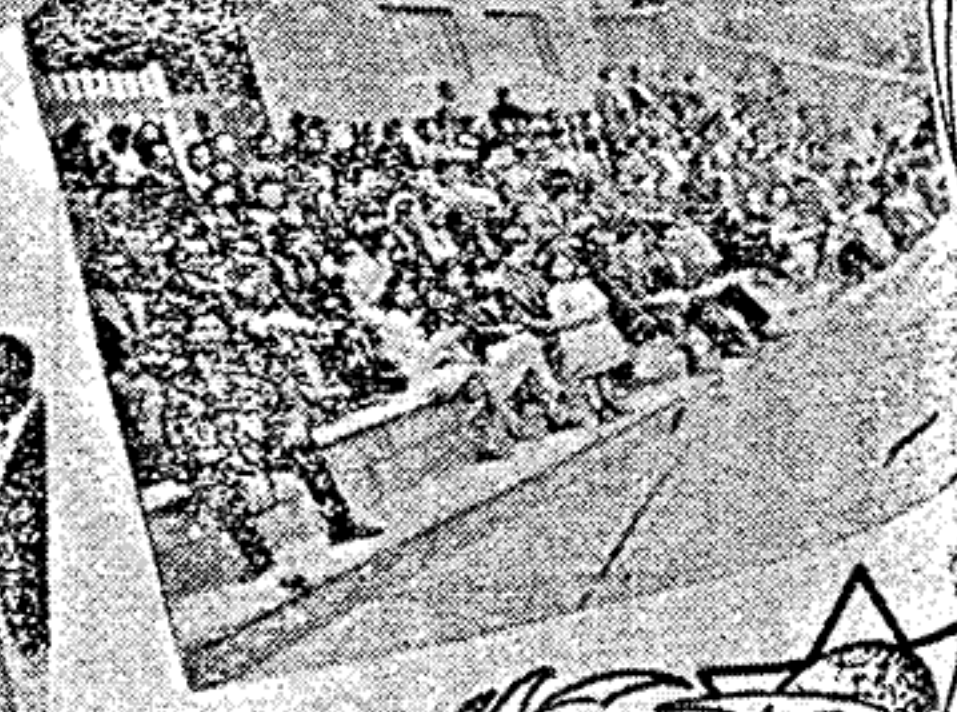
تهران

خیابان سیه مقابل بستخانه

عنوان تلگرافی

«هاعولام»

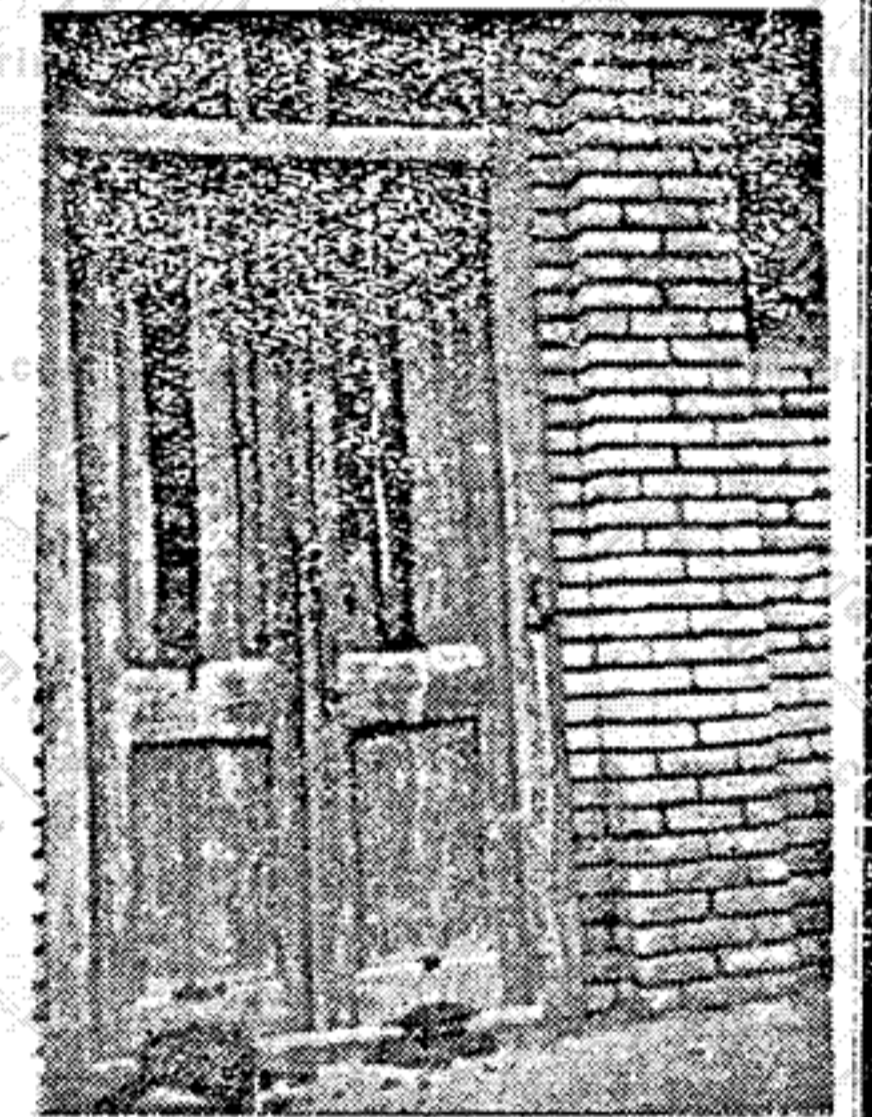
فناطوری چند از مسابقات فوتبال بین تیم های اردن و کوردش



لزوماً باستحضار خوانندگان میرساند

مندرجات کتاب عالم یهود که بقلم نویسندگان معاصر و یا از مجلات و نوشته های گذشتگان و بیگانگان اقتباس میشود بمنظور استفاده عموم و ایجاد بحث و مناظره است و عقیده هیئت تحریریه نیست البته آنچه را مطابق مرام هیئت تحریریه نوشته میشود بامضای هیئت معرفی میمائیم .

عالم یهود



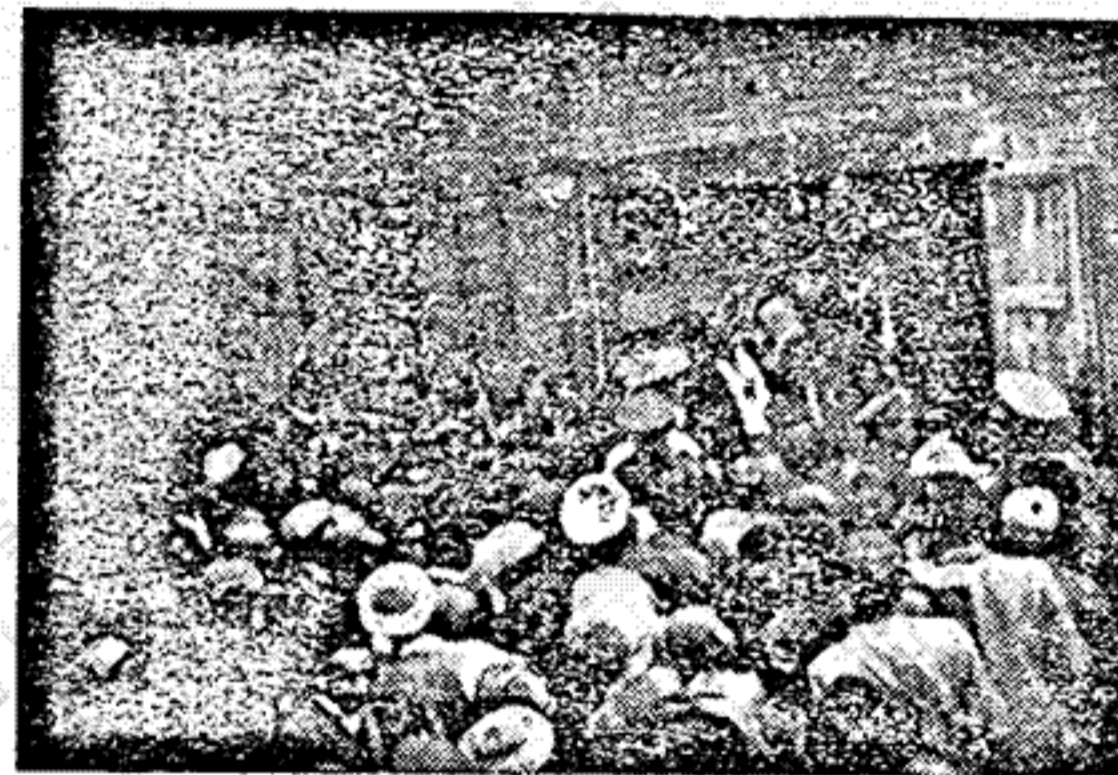
یهودیانکه خانه‌هایشان مورد غارت واقع گردیده است از پشت درهای منازلشان دیداری کشیده اند که از غارت مصون باشند و از منازل هدیه‌گر آموختند میکنند . عکس مقابل خانه یکی از غارت شدگان را نشان میدهد که پشت در را از درون سنگین نموده اند .

آخرین خبر

بلوای مشهد

مشهد - اول اردیبهشت ۲۵

غروب سه شنبه ۲۷ فروردین روز اول عید یسح عده ای قریب چهارصد نفر اوباش و اشرار شهر به محله عیدگاه هجوم آورده بامستسکاتی بسزل های مردم وارد شده و عده کثیری را شدیداً مجروح مینمایند ولی با دخالت پلیس متفرق میشوند - روز بعد یکساعت از آفتاب گذشته مجدداً عده ای بیش از هزار نفر در کوچه ها جمع شده و هرکس را بچنگ میاورند بی محابا کتک زده مجروح مینمایند مجدداً پلیس مداخله کرد ولی کاری از پیش نبرد در حدود ساعت ۱۰ جمعیت بیهتایت زیاد شده و چندین درب و پنجره های خانه ها را شکسته و عده کثیری را مجروح مینمایند در این موقع آقای نیاوندی که یکی از بزرگترین علمای شهر هستند با وجود ضعف یری به حمایت برخاسته تا محل غوغا قدم رنجه فرموده و حتی المقدور سعی فرمودند که جمعیت را متفرق ساخته غائله را خاموش کنند و پس از این اقدام تذکر نامه ای هم انتشار دادند که عین



منظره از پناهنده شدن زن یهودی نزد بقال مسلمان

آن ذیلا درج میشود و بعد قوای ژاندارم و پیاده هم رسیده و تا دو ساعت بعد از ظهر کم کم اشرار متفرق شدند هنوز هم اطمینان کامل به اعاده امنیت نداریم و بطوریکه شنیده شده قضیه به سرخس و درجز هم سرایت کرده است هنوز اطلاع کاملی در این باره در دست نیست .

تذکر

از طرف آقایان حجج اسلام کثرت الله امثالهم برای رفاه خاطر عموم اهالی مشهد و حفظ آرامش شهر اطلاع داده میشود شایعاتی که از دیروز باین طرف در شهر شهرت داده و باعث نگرانی افکار عمومی گردیده از طرف یکمده اشخاص بی اطلاع بوده اینک بهتر است عموم مسلمین قریب این شایعات را نخورده و بر هرکس لازم است که حفظ سکونت و آرامش را بنماید - والسلام علی من التبع الهدا الاحقر احمد الخراسانی - علی اکبر النهاوندی - حسین فقیه سبزواری عالم یهود ما از حسن نیت آقایان حجج اسلام تشکر مینمائیم .

بقیه در صفحه ۵۶۷

حقیقتاً یهودی بودن و درد دنیا زندگی کردن کار مشکلی است . زاده متول و چین باچشم های خفته وزیر ابروی متورم - زاده زایون باچهره زرد و قدمهای دو جویی ؛ سیاه پوستان افریقا ؛ وحشیان و آدم خواران ؛ هینتدر که چند سال در یک محیط زندگی کنند دوستانی میانند ، مهر ورزی میکنند ؛ طرف علاقه و وصیت قرار میگیرند ، خلاصه در محیطی که زندگی میکنند

اهلی شناخته شده از گزند و زخم زبان ، از تهمت و افترا مصون مینمانند . یهودی با خلقت متناسب ، طبیعت معتدل ، قیافه جذاب حتی در کثورتی که همه با او همرنگ و هم خو هستند دچار نامالیامات میشود .

تمدن و فرهنگ یهود نسبت به تمدن و فرهنگهای موجوده حق تقدم دارد ، نخستین مردمانی هستند که یکتاشناسی آموخته اند و در خدمت باالم بشریت مباحثات دارند .

این حقایق از بس گفته شده تکرار آن ملالت آور است ما هم برای خوانندگان تکرار مطلب نمیکنیم کسی انکار ندارد ؛ پس حالات مرضانه از کجا ناشی میشود .

تا ظهور هیتلر و حزب نازی در هر گوشه ای از دنیا اغلب حربه برنده بر علیه یهودیان «منهذب» بوده است .

هیتلر این حربه را تشریح داد او معتقد بود که دردنیای قرن بیستم که جمعیت های خیره و تعاونی برای حمایت حیوانات تشکیل میشود و در دنیایی که ضربه برگردانده خرواسب در قوانین جزائی جرم شناخته شده یهودی

را باید کشت یر ، جوان ، دختر ، پسر از هر جنس که باشد باید برچیده شود تا بود کرد تا جا و فضای بیشتر برای زاده آلمان فراهم گردد .

قانون آزادی بشر و انقلاب فرانسه برای اولین مرتبه در عالم مسیحیت جنک منهدی با یهودیان را از میان برد یهودیان سرگردان اروپا تصور کردند سرگردانی خانه یافت در هر کشوری که زندگی میکردند سنگ آتزا بسینه زندند ؛ در جنک بین المللی ۱۹۱۸-۱۹۱۹ یهودیان فرانسه در صف

ارتش فرانسه و یهودیان آلمان در صف ارتش آلمان بنظور تقویت از ملت هائی که با آنها زندگی میکردند جنگیدند موضوع منهذب فراموش شد ، بحث در این موضوع کهنه و جزو افسانه ها گردید .

نظام نوین آقای هیتلر تقاضا که تمسک به منهذب نداشت ناچار کتار یهودیان را بخاطر اینکه یهودی هستند معمول کرد جنک بین الملل در ۱۹۳۹ - ۱۹۴۶ با موفقیت جبهه دموکراسی خانه یافت منشور اقیانوس اطلس برای آزادی ملل صادر شد وعده دادند که دنیا بهشت برین خواهد شد یهودیان سرگردانهم بمنشور اتلانتیک دل بستند آیا واقعاً سرگردانی خانه یافت ؟؟

خوب ؛ موضوع منهذب کهنه شد ، نظام نوین برهم خورد ، مردم هندوستان و سیکها و اندونزیها از آزادی بحث میکنند تازه یهودی سرگردان سرگردانی را از سر گرفته .

اما در ایران بیچاره یهودی هم از جنبه منهبی هم از دست بیروان هیتلر و موسولینی باید کتک بخورد .

بمناسبت وقایع ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ در شهر مشهد

پس دیگر چه باید بکنند تا از تعرض مصون باشند چه

وظیفه ای باقی است که انجام نداده اند؟ وقایع روز ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ مشهد بکدام بهانه بوده است؟ یهودیان با اصطلاح اهالی خراسان در هم شهرگیری و ایرانی بودن یا فرض در قبول اسلام چه گناهی داشتند که پس از صد سال (یک قرن تمام) تحلیل در جامعه ایرانیت و قبول اسلام نباید بدست هم شهری های خود مضروب شوند .

خبرهای رسیده از مشهد تأسف آور و غم انگیز است . جرح ۵۲ نفر زن و بچه برای چه منظور و مقصودی انجام یافته ؟! این طرز وحشیگری و نهب و غارت آیا به بهانه منهذب بوده ؟ آیا نظم نوین هیتلری از مشهد تجدید حیات کرده است ؟

آیا این علامت «خردار» و هشدار بسایر یهودیان ساکن ایران نیست؟ آیا یهودیان شهرستانها و حتی یهودیان تهران نباید این امر را مورد مطالعه و دقت قرار دهند که غافل گیر نشوند . باز هم بیچاره یهودی سرگردان!

مثل اینست که مثلاً بنده قبل از ولادت بدرگاه جبرئیل عریضه نگاشته و شخصاً درخواست کرده ام که از پدر و مادر یهودی در محیط ایران قدم بدینا بگذارم و حضرت جبرئیل هم با کرم عیم خود استدعای ناچیز را پذیرفته و این موهبت را ارزانی داشته است و حال باید از عهد عواقب و خیم درخواست «نیائیده» و بی مطالعه خود بر آیم به این سبب سرگردانم .



سرگردان!!

امروز مشهد و فردا

چاره این سرگردانی چیست؟ پیشنهاد برادران ایرانی ما برای خانه یافتن غائله یهودی و بقول رفیق عزیز ما آقای فرهنگ رمن «اقلیت بازی» کدام است این پیشنهاد را زودتر بدهید تکلیف صد هزار نفر سرگردان را در ایران معلوم کنید .

عکس العمل واقعه مشهد در سیاست داخلی و خارجی کشور اثر عیق دارد .

اگر شما یهودی بودید و با همه مواعید دموکراسی روز روشن قتل و هتک سرگردانهای دیگر را میدیدید عکس العمل در شما تولید نمیشد؟

امروز که ایران میخواهد بدینا ثابت کند که میخواهد و میتواند سرنوشت خود را خود بدست گیرد آیا این پیش آمد بهانه بدست امیرالاستها نمیدهد؟ دولت برای این پیش آمد چه فکری کرده است؟ خدا عالم است هینتدر مسلم است که دست هائی در کار ، و سرگردانی ما ادامه دارد

سرگردان

فرهنگ - دانش

هنگامیکه ما در باره فرهنگ صحبت و گفتگو میکنیم ممکن است دو قسمت را در نظر بگیریم و فرهنگ را بدانها اطلاق کنیم :

یکی اینکه فقط فرهنگ را منحصر بتوانائی نوشتن و خواندن و آنچه در عرف بنام سواد خوانده میشود بدانیم و از اظهار آن جز این نخواهیم که بتوانیم احتیاجات روزانه خود را برآورده مکاتبات ساده خود را انجام دهیم و یا در حد اعلی در رشته های ساده از علوم پیش برویم .

با اینکه این نظر مطلقاً اشتباه نیست ولی نظریه دوم و یاد حقیقت تعریف ثانی فرهنگ را میتوانیم بطور کلی تری بسط دهیم . فرهنگ علاوه بر خواندن و نوشتن دارای مفهوم جامع و عمیق تری است که مورد بحث ما میباشد . اما از آنجا که تعریف جامعی از فرهنگ در حله اول صورت مبهمی خواهد داشت بی مناسبت نمیدانم که قسمتهای مختلف تابعه و اجزاء مرکب کننده آنرا تا سرحد امکان بشناسیم و از آن مطلب را براه - آسانتری درک کنیم .

و تیکه ما میگوئیم ملتیکه دارای فرهنگ کامل است منظور آنست که این ملت در رشته های مختلف اجتماعی - علمی - سیاسی و فلسفی و غیره پیشرفت کاملی نموده و نتایج حاصله از مطالعات در این رشته ها را تا سرحد امکان برای بهبود زندگی خود در هر قسمت بکار میبرد . و با استفاده از اصول علمی و تطبیق آنها با وضع زندگی خود تا آنجا که ممکن است از منابع و عوامل موجوده برای توسعه فکری و برای رسیدن بدرجه بالا تری از کمال استفاده میکند و بانقویت روح و جسم خود بهتر میتواند با مشکلات و موانع از هر نوع که باشد مقابله کرده و بقای خود را بوجه احسن تأمین نماید .

اما آنجا که فرهنگ را بمعنای علائق و آثار گرانهای ادبی و با علمی تعبیر میکنند و بخصوص ادبیات و نوشتجات گذشتگان و معاصرین را مورد مطالعه مینمایند نیز خارج از این تعریف نیست چه این همه را برای توسعه فکر یعنی بهبود زندگی بکار میبرند زیرا وقتی که ما خوب بفهمیم و حقایق موجود را بصورت واقعی درک کنیم بهتر میتوانیم آنها را شناخته از وجود آنان استفاده ببریم . ادبیات و فرهنگ ادبی قوه تخیل ما را زیاد میکند تعلیم و تربیت که رشته ای از فرهنگ است فن زیستن و قوانین ثابت زندگی اجتماعی را بمانی آموزد و برای حفظ نظم و وجود عدالت مقرراتی را که حفظ آنها بر فرد فرد واجب است بمانی یاد میدهد و از اینرو میتوان مقیاس برای درجه تمدن یعنی بر حسب تعریف درجه پیشرفت فرهنگ بدست آورد .

آن ملتی تمدن تر و آردسته ای فرهنگشان کاملاً است که آموزش و پرورش صحیح در بین آنها با روش بهتر و اسلوب کاملتری رواج داشته باشد .

توسعه کشاورزی و صنعت و تجارت و رشته های دیگری از این قبیل که از لحاظ تولید مواد لازمه برای ابقای بشر و تسهیل تکامل دارای اهمیت بخصوص میباشد نیز جزوی از فرهنگ

است . مثلاً ملتیکه دارای فرهنگ کامل است روش جدید کشاورزی صنعتی را بکار خواهد برد همچنین است در رشته های مختلف دنیا از قبیل تربیت بدنی و بهداشت که لازمه اش ترقی علم پزشکی است و دیگر علوم اقتصادی و سیاسی که هر یک قسمتی از مشکلات ما را رفع میکنند .

باین ترتیب و بادر نظر گرفتن تمام رشته های زندگی شناسائی عوامل و دانستن کیفیت آنها مورد استفاده ما است میتوان فرهنگ را بخوانیم :

« فرهنگ عبارت است از درجه توانائی هر ملتی برای رفع مشکلات طبیعی و مبارزه با موانع ترقی و اندازه توانائی ایجاد وسایل برای تسهیل و تسریع کار ترقی و پیشرفت در هر قسمت »

حال که معنای فرهنگ و مفهوم آن از نظر ما معلوم شد بی مناسبت نمیدانیم که ببینیم آیا این خصایص در بین جامعه وجود دارد یا نه ؟ آیا واقعاً فرهنگی را که دارای معنی وسیع و فوق باشد دارا هستیم ؟

جواب این سؤال برای همه ما معلوم است . و متأسفانه میتوانیم بگوئیم که ما نه تنها فرهنگ کلی را فاقد هستیم بلکه هنوز عده بسیار زیادی از برادران و خواهران ما فاقد معلوم ابتدائی بوده حتی توانائی خواندن و نوشتن را ندارند .

اگر بخوایم فقط باظهار درد بپردازیم و حالات مختلفه و کیفیت تقایص اجتماعی فرهنگی را بیان کنیم سخن بدر از خواه کشید و بیان مقصود میسر نخواهد شد چه ذکر تقایص و یادآوری معایب و آنچه ما کم داریم در خور مقالی مفصل و جداگانه است و شاید اگر بخوایم چنانکه حق مطلب را بیان کنیم بتدوین کتاب کامل و قطوری احتیاج باشد . اما بعلمت اینکه درمان آنی هر درد بلافاصله پس از مشاهده آن درد لازم است و از آنجا که فقط از اظهار درد ، درد مداوم نمیشود و فریاد و فغان بدون نقشه کامل و راهنمایی دقیق حاصلی جز صداع ندارد این بحث را بوقت دیگر موکول میکنیم و بین گذشته و آینده بید فرصت حال را غنیمت میدانیم .

ما امروز معتقدیم که باید از خشت اول شروع کرد و بنابر ساخت . برای پیشرفت فرهنگ و برای بالا بردن سطح فکر و معلومات که لازمه آن همانطور که گفته شد ترقی فرهنگ است باید از ابتدا شروع کرد . آری از الفباء - از مقدمات - از دروس ابتدائی باید یاد گرفت و جلو آمد .

برای اینکه ما بتوانیم مسائل مشکل اجتماعی خود را حل کنیم و برای اینکه بتوانیم طریق جدید زندگی را بیاموزیم و در مبارزات اجتماعی و سیاسی غالب شویم - برای اینکه طی مراحل کمال بساده ترین و طبیعی ترین صورتی انجام گیرد ما احتیاج بدانش داریم .

دانش و علم بهترین و مهمترین وسایل تکامل است ما احتیاج بمدارس داریم باید مدارس و مراکز فرهنگی جدیدی بقیه در صفحه ۵۷۳

« خوانندگان عزیز باید توجه داشته باشند که مندرجات عالم یهود هم مانند مندرجات سایر نوشته های عام المنفعه شامل آراء و عقاید مختلف بزرگان است مخصوصاً قسمتی که راجع به بزرگان یهود نوشته »
 « میشود برای اینست که هم میهنان گرامی به مختصری از شرح حال این بزرگان آشنا شوند و بدانند که این طایفه »
 « تنها در اقتصاد متبحر نیست بلکه در شعر و موسیقی ، فلسفه ، طب ، فیزیک ، شیمی و بالاخره در تمام شئون علمی »
 « و اجتماعی بشر مداخله دارد و دارای نبوغ خاصی است که اگر در محیط امن واقع شود بهتر و بیشتر میتواند »
 « به عالم بشریت کمک کند و این یگانه آرزوی ما است بدیهی است هر یک از بزرگان یهود مانند سایر بزرگان دنیا »
 « افکار و عقاید خاصی دارند و لازم نیست ما خوانندگان حتماً بر اثر تعصب بیجا متابعت از عقاید آنها بنمائیم »
 « باز هم تکرار میکنیم که علماء و بزرگان متعلق بتمام افراد بشر هستند و اختصاص به یک ملت ندارند و ما هم آنچه »
 « را که عقیده عالم یهود باشد بنام هیئت تحریریه امضاء خواهیم کرد پس آنچه بامضای ماست عقیده ما است »
 « و بقیه برای اینست که افکار و عقاید مختلف بمعرض بحث و انتقاد گذارده شود ... »
 « عالم یهود »

اقتباس و نگارش

سرمارك اورل اشتين

ی . دانش . همدان

حاوی تاریخ قدیم است میباشد و خود او در مقدمه آن شرح کامل جغرافیائی و آثار قدیمی مربوط بآنها میدهد .

در سال ۱۸۹۸ بماوراء رود سند مسافرت کرد و پس از کوششهای زیادی که در آنجا بعمل آورد . دو سال بعد بترکستان چین رفت در آثار قدیمی آن منطقه مدت یکسال بتحقیقات خود ادامه داد و عده ای از زیادی آثار قدیمی و کتب خطی و قطعات چوب نازکی که در روی آن بخط قدیم هندی نوشته شده بود با خود بانگلستان برد . در این باره کتابی بنام «دقیقتهای ختن» منتشر کرد که در آن شرح کوششهای مندرجست . در سال ۱۹۰۷ نیز نطق مفصلی در انجمن جغرافیائی راجع به تحقیقاتش ایراد کرد . کمی بعد مجموعه کوششهای را در کتابی موسوم به «ختن قدیم» منتشر کرد که در دو جلد نوشته شده و مزین به تصاویر زیبایی بود . در سال ۱۹۰۴ بریاست اداره مطالعات آثار باستانی



سرمارك اورل اشتين از بزرگترین مستشرقین و خاور شناسان جهان در سال ۱۸۶۲ از يك خانواده یهودی که تابع مجارستان بودند بدنیا آمد و بعدها نظر به نبوغی که در او مشهود گردید و زحمات بزرگی را که مقبل شده دولت انگلستان ویرا بلقب سر مفتح گردانید .

اشتین تحصیلات اولیه خود را در شهر های « درزن » و « وداپست » انجام داد و بعد در دانشگاه « توینگن » که از دانشگاههای معروف آلمان بشمار میرود بفرافرفتن السنه شرقی پرداخت . در ۲۷ سالگی برای اینکه تحصیلات خود را از راه عمل و مشاهدات علمی کامل کند تصمیم گرفت که بپهندوستان مسافرت نماید از این جهت بلندن رهسپار شد و در این شهر اولین اثر خود را بنام «تصور خدایان مذهب زردشتی بر روی مسکوکات هندی و تورانی » منتشر کرد .

این رساله هنوز هم اهمیت خود را از دست نداده و از مراجع مهم برای تحقیقات در مذهب و اصول زردشتی میباشد . کی بعد پهندوستان رفته و در بمبئی ساکن شد . پس از مدتی در دانشگاه لاهور بسمت دفترداری و سپس بریاست علوم شرقی آن دانشگاه محسوب گردید و تا سال ۱۸۹۹ در شغل خود باقی بود و تمام این مدت را بتحقیق در تاریخ هند پرداخت و بواسطه فعالیت و مطالعات عمیقی که در این راه از خود بروز داد بزرگترین مقام را در این قسمت احراز کرد .

یکی از کارهای بزرگ اشتین منتشر نمودن فهرست کتب نفی شاهی « جمو » و ترجمه کتاب تاریخ « زود سلطین » که



هندوستان (منطقه شمالی غربی و بلوچستان) منصوب گردید در این هنگام بتدوین و تألیف کتب بزرگی پرداخت که مهمترین آنها «سیر - یندیا » و « درون آسیا » میباشد اولی در ۴ جلد و حاوی چندین نقشه و مجله بزرگ مصوری

سرمارك اورل اشتين

باقی در صفحه ۵۷۳

اورشلیم - وقتی که جراید رسمی تندنویسی صورت جلسات کمیسیون انگلیسی و امریکائی را منتشر نمودند معلوم شد که قسمتهای گفتگوی اعضای کمیسیون با گواهی دهندگان عرب راجع به فعالیت های مفتی سابق اورشلیم بنفع هیتلر بکلی حذف گردیده و هیچ ذکری نیست از این که عکس مفتی سابق متدرجه در روزنامه آلمانی چاپ برلن توسط یکی از اعضای کمیسیون به نمایندگان عرب نشان داده شده باشد و نیز هیچ اشاره ای راجع به پرسشهای اضطرار آوریکه اعضای کمیسیون

از نمایندگان نامبرده نمودند در آن وجود ندارد گویا این جرح و تعدیلها بر اثر اقدامات عبدالهادی عونئی یک در نزد مقامات مربوطه بوده که اظهار داشته «اگر این موضوعها در جراید رسمی درج شود عکس العمل خیلی بدی در اعراب خواهد داشت و مجرباً به التیامی خواهد شد که تولید نگرانی خواهد نمود» فیادلفی - بقرار اظهار خبرگزاری فرانسه (آقای مید) سناتور دموکرات نیویورک تلگرافی به کمیسیون انگلیسی و امریکائی مخایره و از ایشان تقاضا نموده که هر چه زودتر تصمیم خود را نسبت به فلسطین اعلام نمایند بعلت اینکه «اسرائیلیهای اروپا که از گرسنگی و نداشتن پناه بسته آمده اند دیگر طاقت تحمل ندارند»

یکی از افسران ارشد فرانسه ژنرال گامزون در یکی از محافل سیاسی اظهار داشته که صد نفر از جوانان اسرائیل در موقع اشغال فرانسه سازمانی در پاریس تشکیل دادند که یهودیانرا پناه داده و آنها را پنهان میکرد و شناسنامه های جعلی برای آنها تهیه نمود و تقریباً تمام آنها توسط آلمانها دستگیر و با شکنجه های سخت شهید شدند

اورشلیم - از ۱۵۰۰ گواهینامه مهاجرت سهمیه مارس/ آوریل فقط ۵۰۰ عدد آن نصب آزانس یهود شده و هزار عدد دیگرش قرار است با اختیار اشخاصی گذارده شود که اقوام نزدیکی در فلسطین دارند و اداره مهاجرت فلسطین مأمور نظارت در توزیع این گواهینامه ها است اعلامی در جراید یخش نموده که هر کس خوشاوندان نزدیکی دارد که عازم فلسطین هستند میتواند از این گواهینامه ها تقاضا کند از اینجام معلوم میشود که در توزیع این مدارک چه اعمال نظرهایی بعمل می آید

اورشلیم - بقرار اظهارات خبرنگار آزانس یهود چند نفر از اعضای کمیسیون انگلیسی و امریکائی کیبوس (کهار هجورش) را دیدن نمودند و (سر فردریک لجت) که با چشم خود زحمات طاقت فرسای حلوصیم را در راه تبدیل بیابان و سنگلاخ به کلبی حاصلخیز مشاهده مینمود اظهار داشت «هر قدر که ما بیشتر در عملیات و فعالیت های شما تعمق می کنیم تصمیم گرفتن در اطراف مسئله فلسطین مشکلتی بنظرمان میرسد» آنگاه از حلوصیم تقاضا نمودند که نام آنها را در دفتر مهمانهای آینده ای که در مرکز استراحت کیبوس (که در دست ساختمان است) پذیرفته خواهند شد ثبت نمایند -

سیس آقای کریک به حبریم اظهار داشت که «در ده شتر ایخر در آلمان صدها نفر از حلوصیم را مشاهده کرده بود که خود را آماده عزیمت به فلسطین مینمودند»

مدهسוכנות היהודית כטהראן موسרים לנו חדשות אלה :



قشه و تاریخ حمله هیتلر به فلسطین استکهلم - نماینده سرویس مطبوعه یهودی نیویورک از پایتخت سوئد اظهار میدهد که دادستان شوروی در دادگاه بین المللی جنایتکاران جنگ مدرکی نشان داد که طبق آن هیتلر تصمیم داشته پس از پیروسیه در تاریخ ۸ اوت ۱۹۴۱ به فلسطین و سوریه حمله نماید

— ورود دو کشتی به فلسطین —
تل آویو - روز سه شنبه گذشت ناوشکن انگلیسی یک کشتی کوچک

تنی را که در سواحل فلسطین مشغول حرکت بوده دستگیر و ۲۴۸ یهودی که فاقد اجازه نامه مهاجرت بوده اند در آن مشاهده نمودند فوراً کشتی را که موسوم به (وینگات) بوده با خود به حیفا میبرد هنگام ورود به بندر این کشتی کوچک علائم و رنگ های صیونیه از خود ظاهر میسازد و جمیع مسافرش با خراندن سرود هتقوا پیاده و وارد (اردوگاه انتظار) شده و هنوز هم آنجا هستند

این کشتی ۱۲ روز قبل از یکی از بنادر ایتالیا حرکت کرد ۱۵۸ نفر مرد و ۹۰ نفر زن بین ۲۰ تا ۴۰ ساله را همراه خود آورد بود که اغلبشان از کشورهای لهستان و هنگری و غیره آمده و خیلی از آن زبان عبری را بکمال خوبی صحبت مینمودند و تمام آنها دارای بازوبند بودند که جلات (کارگران اغود اسرائیل) و «قیوصای لب ابر» هم خود داشتند - چند روز بعد یک کشتی دیگری که ۷۲۶ نفر مرد و بی جواز یهودی را حمل مینمود در دریا متوقف شد - نام آن کشتی (تل حی) در موقع پیاده کردن مسافرن هر دو این کشتی ها آقای دسترس نماینده آزانس یهود حیفا حضور داشت و کارگران اسرائیل تلاویو و یزادی مرکبات برای این مسافرن آوردند و بطوریکه بعد معلوم شد بعد از این بدبخت ها مدت ده سال بود که لبو و برتقال نخورده بودند

— یک فیلم جدید از زندگانی در فلسطین —
دکتر هربرت کلاین مشغول تهیه فیلمی از زندگانی فلسطین میباشد و مستر مئیر لوین امریکائی هم در تنظیم صحنه های آن کمک میکند زیر نویس صحنه های زندگی اسرائیل - عرب و مسیحی ارس اسرائیل تهیه مینماید ۵۰۰۰ چند نفر تکنیسین از هولووود برای مساعدت باین دفتر آمده اند که معتقدند هوای فلسطین و سایر کیفیات آن کشور برای پیشرفت صنعت فیلمبرداری خیلی مناسب و تقریباً شبیه باستودیوهای امریکائی موجود در کالیفورنی هستند

— دهه من سال گفتار رادیوی فلسطین بزبان عبری —
اورشلیم - بنسابت دهین سال سخن پر اکنی عبری رادیوی فلسطین از طرف انجمن (وعد هالئومی جشنی در مهانخانه آمد و رفت (اورشلیم) متعقد گردید و دکتر کاتر نلسون مدیر سخنرانی عبری را در مذاکرات مفصلی در اطراف آن نموده و پس از او آقای ادوین ساموئل (پسر لرد ساموئل و مدیر کل رادیوی فلسطین) و آقای بن زوای (میر و وعد هالئومی) نیز صحبت کردند (حناروینا) آر تیست تئاتر (هایا) یکی از اشعار (بیالیک) را سرود و فوق العاده مورد تمجید قرار گرفت



عکس سمت چپ - ستوان دوم مهندس ادمن بنارش شاگرد اول رسته توپخانه که در دوره اخیر دانشکده افسری احتیاط با معدل کل ۱۸/۳۷ شاگرد اول شناخته شده اند عکس سمت راست - ستوان دوم مهندس یعقوب میثاقی (یهودا زاده) شاگرد اول رسته مهندس استحکامات با معدل کل ۱۶/۳۹ عالم یهود : در دوره اخیر دانشکده افسری احتیاط فقط دو نفر از جوانان ما، آقایان مهندس بنارش و مهندس میثاقی شرکت کرده بودند بطوریکه ملاحظه میشود خوشبختانه هر دو نفر آقایان نامبرده موفقیت بزرگی را احراز کرده اند که یکی از افتخارات جوانان اسرائیل ایران محسوب میشود ما این موفقیت بزرگ را صمیمانه با آقایان ستوان دوم مهندس بنارش و ستوان دوم مهندس میثاقی تبریک میگوئیم

مجلس تذکر بمناسبت درگذشت مرحوم شکرالله ربانی تهران - بنسابت در گذشت ناهنگام مرحوم شکرالله ربانی مجلس تذکری از طرف تشکیلات کل صیونیت ایران در کنسای حیثم در روز سه شنبه دهم اردیبهشت از ساعت ۳ و نیم تا ۷ بعد از ظهر برپا بود و از طرف کارکنان تشکیلات از واردین که جمعیت کثیری بودند پذیرائی میشد در فواصل نطق ها از طرف سرانندگان قول داود تحت سرپرستی آقای روشن دل مزایم داود و سایر آهنگهای محزون خوانده میشد در ساعت چهار بعد از ظهر آقای دکتر طوب از طرف تشکیلات و نام جامعه اسرائیل ایران به بازماندگان آنفقدت تسلیت گفته و ضمن نطق بیخ خود از مراتب فضلی آن مرحوم مخصوصاً از نجابت و اصالت فطری و قابلی پدر و پدر بزرگ آن مرحوم ملا ابراهام و ملا الیاهو بیانات سودمندی فرمودند و در خانه اظهار داشتند که در گذشت شکرالله ربانی ضایعه بزرگ و ناپذیری برای ما و جامعه یهود بود پس از ایشان آقای دکتر کلان بوم رئیس سوختوت از طرف سوختوت بزبان عبری تسلیت گفته و اضافه نمودند که بی جانی باشد که در اینگونه مجالس بی هم از کشته شدگان یهود در جنگ شود و بعد از ایشان آقای رعنان اظهار داشتند که فوت شکرالله ربانی نه فقط قلب کلبه ایران فامیل و اسرائیل های ایران

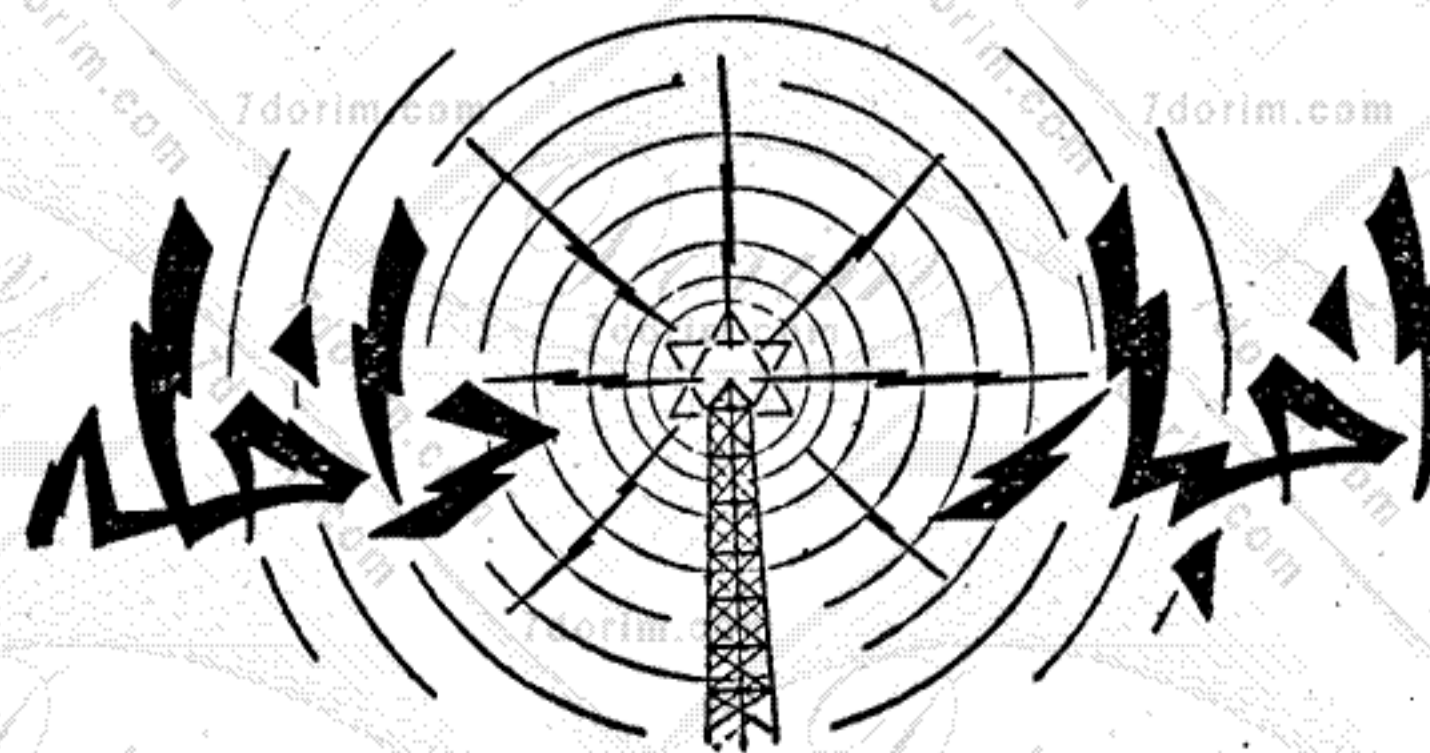


آشوبگران در اطراف دبستان هدایت و قبرستان و محوطه یهودیان



منظره ای دیگر از هجوم آشوبگران هنگامیکه هواپیما اعلامیه علماء را منتشر میسازد

را جریحه دار ساخت بلکه کلبه کارمندان دولتی مخصوصاً وزارت دارائی که مدت ۲۵ سال افتخار هم کاری با آن مرحوم داشته محزون و متاثر نمود مرحوم نامبرده نه فقط دارای فضل و کمال علم و وقار و حسن سلوک بود بلکه در تمام مدتی که اشتغال بامور مهمه عالی داشت به پاکدامنی و درستکاری معروف بود مشارالیه پس از اتمام دوره تحصیلات خود در دبیرستان آلبانس که همیشه جزو شاگردان اول بوده تحصیلات عالی خود را در دانشکده سیاسی در آنوقمی که طی این دوره بسیار مشکل بود با کمال موفقیت بیابان رسانیده و در زمره بهترین کارمندان دولت در وزارت دارائی مشغول کار بود مشارالیه نه فقط عهده دار تربیت باقیماندهگان فامیل خود و از این حیث حق بزرگی بگردان آنها دارد بلکه در دوران حیات خود همیشه در امور اجتماعی و ملی پیشقدم بود بجهت این فقدان عظیم و اسفناک عموم افراد را داغدار نمود - پس از آقای رعنان آقای شلموکن صدق از مقام روحانیت آن مرحوم و فامیلش با مراجعه به آیات تورات و انبیا بیاناتی فرمودند و سپس آقای سلیمان حیثم از مراتب فضلی و نوع پروری آن مرحوم نطق فرموده - در خانه با خواندن نماز جماعت مجلس خانه یافت



جزئیات سازمانهای صیم از بدو تشکیل تا امروز

هنوز کشاورزی ارض اسرائیل احتیاج به توسعه دارد اخیراً معلوم شده که اگر بخواهند آب بارانهای زیاری را که در فلسطین میبارد و بواسطه عدم جمع آوری بدریا ریخته و بهدر میرود استفاده کنند میتوان باحق خندقها و چاهها یا ایجاد سدها آنها را نگاهداشته و برای مواقع آبیاری و حاصلخیز کردن زمین بکار برند

روی این اصل میتوان مساحت زمینهای مشروب را که فعلاً ۴۰۰۰۰۰۰ دو نام (۱۰۰۰۰۰۰۰ جریب) میباشد به ۲ یا ۳ میلیون دو نام رسانید و بهای محصولات آن را ۴ یا ۵ برابر نمود ولی البته این در صورتی است که سرمایه موجود باشد و سکنه فلسطین بخواهند بچنین اصلاحاتی اقدام کنند تا هم حاصل بیشتری بدست آورده و هم بتوانند در مقابل رقابت سایر کشورهای خارجه مقاومت نمایند

اسرائلها میتوانند هم سرمایه و هم ذوق و مهارت زیادی برای توسعه کشاورزی وارد فلسطین نمایند درسی سال گذشته که اسرائیل مشغول کثنی سازی بوده بهترین نمونه و شاهد و مثل ما است

عربها هر کجا آب برای آبیاری زمین داشته باشند میدانند چطور باید سبزیجات و مرکبات و موز بوجود آورند در موقع تسلط عثمانیها اعراب فلسطینی مجبور بودند که گندم دیمی بکارند زیرا بر اثر (فقدان سرمایه) و (تعلق خاک بدهاتیها) و (عدم وجود امنیت سرمایه و قانونی) هیچ اقدامی جهت لوله کشی آب برای کشاورزی و درخت کاری بعمل نیامد

در اینجا بی مناسبت نیست اگر بگوئیم که استفاده از خاک فلسطین برای کاشتن غلات دیمی در بعضی جاها که میتوان آب دریا را آورده و درخت کاری نمود یکی از خیانتهایی است که بفلاحات آنکشور میشود زیرا درخت همیشه بایدار بوده و نمرش سودمند تر است

فلسطین نمیتواند با سایر کشورهایانی که غلات صادر میکنند رقابت نماید زیرا آنها خیلی معظم هستند (امریکا روسیه استرالیا) باینجهت چاره دیگری ندارد مگر اینکه بدرختکاری بپردازد و این کار هم باید هر چه زود تر انجام شود

در سال ۱۹۳۷ فلسطین دو میلیون لیره انگلیسی خوار بار برای مصرف جمعیت اسرائیل خود وارد نموده است ولی متخصصین میگویند که میتوان نصف مقدار بالا را با قیمتهای خیلی ارزاتری از داخل خود کشور تهیه نمود

صادرات محصولات کشاورزی هم بد نیست در سالهای گذشته مرکبات بیزان فوق العاده زیادی افزایش یافته اند بطوریکه فعلاً نمیتوان بازارهایی برای مصرف آنها تهیه نمود ولی نظر باینکه جنس برتقال فلسطین خیلی عالی است و در سرتاسر جهان همه کس باین میوه علاقه وافری دارد باین جهت میتوان امیدوار بود که محصول برتقال در سالهای آینده باز هم بیشتر شود

ضمناً معلوم شده که فلسطین میتواند درختهای میوه دیگری بعمل آورد مثلاً دره اردن هم میوههای مناطقی حاره و هم میوههای کشورهای سردسیری را میتوان بار آورد

و از محصول هر کشور دیگری زودتر بیازارهای اروپا رسانید هسته بعضی میوهجات از قبیل بادام و قیسی و گردو و غیره و همچنین تهیه نباتات مخصوصی که در صنعت یا دردو سازی بکار میروند دورنمای خوبی برای آینده صادرات فلسطین تشکیل میدهند

صنعت که در سالهای اخیر دائمآ در تزیاید بوده مخصوصاً تحت نفوذ اسرائیلهای آلمان که دارای تجربیات خیلی زیادی در این رشته هستند احتمال دارد که بزودی توسعه کاملی بهم رسانند - صنایع مختلفه ای که قسمت عمده آن در آلمان و اطیش بدست اسرائیلها اداره میشد از قبیل: پارچه بافی - دواجات - پوستهای قیمتی - توری سازی - چرمهای اعلا سازی و اشیاء تجملی اطیشی و غیره اکنون در دو کشور نامبرده بیزان خیلی کمی رسیده چون دست اسرائیلها از آن صنایع کوتاه گردیده است و برعکس چون اسرائیلها آلمان و اطیش بفلسطین رفتند این صنایع در کشور اخیرالذکر ترقی فاحشی کرده و امید میرود که بعضی از مؤسسات این مهاجرین نه تنها فلسطین را از ورود این قبیل اشیاء بی نیاز سازد بلکه مقدار زیادی هم بر صادرات آن بیافزاید

دستگاه تصفیه نفت (موصل) که فقط در حیفا مشغول ساختن آن هستند بزودی نفت فراوانی با اختیار اهالی این کشور خواهد گذارد و گذشته از آن مقدار زیادی مسواد خام برای صنایع شیمی تهیه خواهد نمود

بحرالمیت دارای منابع پایان نابدیر پوطاس - برومین و بسی املاح و چیزهای معدنی دیگری است که (کمبانی پوطاس فلسطین) مقدار هنگفتی از آنها را در سنوات اخیره صادر کرده و خوشبختانه قسمت اعظم این سرمایه متعلق بایسرائیل است چون تأسیس این شرکت روی اصل فکر ابتکاری یهودیان بود - صادرات و مصرف این مواد معدنی در آینده بجزان خیلی بیشتری خواهد رسید

استعمال پوطاس بعنوان رشوه در حاصلخیز نمودن زمین و همچنین بکار بردن بعضی رسومات دیگر موجوده در (حلا) واقع در اردن علیا میتواند محصولات کشاورزی فلسطین را چندین برابر نماید

تجارت حمل و نقل مسافری و زوار هم با سرعت فوق العاده ای رو بترقی است چون شرایط مسافرت از فلسطین بی نهایت بهتر از سابق شده احتمال دارد که کشییرانی اسرائیلها هم توسعه دهد

فعلاً باشکال میتوان پیش بینی نمود که این ترقیات با وقت بمرحله نهائی خود خواهد رسید زیرا در وحله اول بانجك بیابان رسد و مقدار هنگفتی سرمایه وارد این کشور شود و اوضاع سیاسی و اقتصادی اسرائیلهای خارج فلسطین هم بهتر گردد

از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۸ جمعیت اسرائیلهای فلسطین

سالی ۹ درصد زیادتر میشد و این البته بیشتر مربوط بعسالت مهاجرت بود ولی همین میزان افزایش بقدری در تجارت و صنعت اسرائیل فلسطین تأثیر داشته که احتیاج بوصف آن نیست

اسرائیلهای اروپا امروزه فهمیده اند که مهاجرت بارص اسرائیل چه فوریتی برای آنها دارد (این کتاب در سال ۱۹۳۹ که جنک آغاز گردید نوشته شده) و اگر دولت انگلیس طبق مندرجات کتاب سفید میزان مهاجرت همکیشان ما را محدود نمیکرد سالی خیلی بیش از ۹ در صد اسرائیل وارد فلسطین میشد

هر گاه همین میزان ثابت بماند (و با در نظر گرفتن ۲ در صدی که هر سال از موالید جدید بر عده اسرائیلهای فلسطین افزوده میشود) میتوان امیدوار بود که پس از پانزده سال جمعیت یهود این کشور به دو میلیون نفر برسد در خلال همین مدت هم اعراب سالی ۲/۵ درصد بر جمعیشان افزوده میشود و چون مهاجرتی ندارند باینجهت آنها هم به ۲ میلیون نفر خواهد رسید

با در نظر گرفتن مقدمات بالا فرضاً که جمعیت اسرائیل این کشور پس از پانزده یا بیست سال بیزان یک میلیون (چه از حیث مهاجرین و چه از حیث موالید جدید) افزوده شود بالاخره مسئله یهود را حل نمیتوان نمود فلسطین نمیتواند خانه جدیدی برای تمام اسرائیل هائی شود که بر اثر فقدان وسیله معیشت در محیط خود میخواهند بآنجا مهاجرت کنند ولی از آنجا که اسرائیلهای اروپای مرکزی و خاوری (باستثنای روسیه) اوضاع اقتصادی و سیاسی ایشان فوق العاده اسفناک است باینجهت آنها باید حتماً بفلسطین انتقال یابند تا از مصائب سختی که فعلاً تحمل میکنند رهائی یابند

کشمکش بین یهود و اعراب

۱- آغاز کشمکش

قبل از نخستین جنک بین المللی موقعیکه جمعیت اسرائیل فلسطین چندان زیاد نبود هیچگونه بد رفتاری از طرف اعراب با آنها نمیشد و روابط فیما بین کاملاً رضایت بخش بود

فلسطین تحت فرمانروائی عثمانیها بود باین ترتیب که اورشلیم و قسمتهای جنوبی ناحیه خود مختاری (سنجاق) را تشکیل میداد حال این که قسمتهای شمالی بخشی از استان (ولایت) سوریه محسوب میشد

حکومت استبدادی عبدالحمید نیکگذاشت که احساسات ملی اعراب قوت گیرد باین جهت از این نقطه نظر جمعیت عرب فلسطین توده بیجانرا تشکیل میداد که تماس خیلی کمی با اعراب سایر قسمتهای امپراطوری وسیع ترکیه داشت و علتش هم فقدان وساطت نقلیه بود بدینمنهائی که مسافرت از فلسطین به عراق مثلاً

میبایست با شتر انجام گیرد هفته ها بطول میانجامید و گذشته از آن اختلاف سطح تربیت و نژاد هم در این موضوع دخالت داشت

اعراب سوریه و فلسطین و مصر بانظر دیگری با اعراب بدوی عربستان و نیمه بدوی عراق و ماوراء اردن نگرشته و سطح تمدن آنها را خیلی پائین تر از خود میدیدند و اتفاقاً نژاد اینها هم یکی نیست

بدوی های شبه جزیره عربستان که مرکز و خانه اصلی اعراب میباشد از نژاد مدیترانه ای هستند حال اینکه ساکنین فلسطین و سوریه و عراق از نژاد آلیبی میباشد (اسرائلها هم از هردو نژاد هستند) و در صدر اسلام که زعمای عرب این کشورها را فتح کردند ملل موجوده را مجبور به پیروی از کیش و سنن و حتی زبان عربی نمودند

اسرائیلها گمان میکردند که اگر مهاجرت همکیشان آنها ضرری بحقوق فردی اعراب نزند و بلکه برعکس از لحاظ اقتصادی نفی هم در آن مترتب باشد و حکومت خود مختار یهودی در تحت الحمایگی انگلیس تشکیل گردد هیچگونه مخالفتی از طرف اعراب فلسطین با آن نخواهد شد ولی این گمان تصویری بخطا بود و امید یهودیان مبدل بیاس گردید

مهاجرت اسرائیل بفلسطین گرچه مزایای مستقیم و غیر مستقیمی را برای اعراب در برداشت ولی میلیون تازه سرکار آمده عرب از آنها بی نبودند که با این حرفه با قانع شوند

پس از اینکه اعراب از زیر یوغ و بار رقت عثمانیها رهائی یافتند و کشورهای مستقل عربی در یمن و عراق و عربستان سعودی تشکیل گردید حس ملیت اعراب فلسطین هم تحریک و با سرعت فوق العاده ای منتشر شد

نخست در طبقات ممتازة اعراب در شهرها بروز کرد و رئیس آنها حاجی امین مفتی اورشلیم بود که باتکاء تبلیغات ضد انگلیسی خارج کشور تمام اعراب را وادار کرد که از منافع خود صرف نظر کرده و به نهضت او به پیوندند

در عربستان سعودی و یمن و عراق که سرهم رفته ده میلیون و نیم جمعیت و یک میلیون و نیم کیلومتر مربع زمین موجود است استقلال اعراب محرز شده بود و فقط مانده بود سوریه که در تحت حمایت فرانسه قرار داشت (جمعیت ۳۵۰ میلیون - زمین ۲۰۰ هزار کیلو متر) و فلسطین که در تحت الحمایگی انگلیس گذارده شده بود (مساحت ۲۶۰۰۰ کیلو متر مربع جمعیت ۱۰۰۰۰۰۰ نفر که ۱۰۰۰۰۰۰ نفر آن عرب بود)

نهضت اعراب نقشه های وسیعتری داشت یعنی تمام کشورهای عربی در آسیا و حتی تمام ملل عرب زبان آسیا و افریقای شمالی میبایست اتحادیه واحدی را تشکیل دهند

همین توسعه روز افزون حس ملیت عرب بود که باعث پیدایش اختلاف بین اسرائیلها و اعراب فلسطین گردید

نخستین اغتشاش خونین اعراب بر علیه یهودیان در سال ۱۹۲۱ صورت گرفت و سال بعد که طرحی از طرف دولت پیشنهاد شد مبنی بر اینکه انجمن مقننه ای انتخاب شود تا زیبا این پیشنهاد را رد کردند چون بانعداد کارمندان رسمی آن انجمن موافق نبودند

از بازداشتگاه داخو تا حیفا

هنوز کاملاً آفتاب بر نیامده بود که کشتی انگلیسی (ماتاروا) شروع به پیاده نمودن مسافرین خود در بندر نمود. سرنشینان آن جوانانی بودند که از انگلستان - فرانسه - ایتالیا - برکن بلسن و بوخن والد آمده و قرار بود که بمناطق کشاورزی (بت شمن) بروند و نیز عده‌ای از آنها که در انگلستان فن بنائی را یاد گرفته بودند سؤالاتی در اطراف باطلاهای (حله) مینمودند زیرا برای آباد کردن « کفار بلوم » در کالیله علیا در نظر گرفته شده بودند.



اغلب دخترها از بدو ورود در بیمارستانها به پرستاری مشغول شدند خوشبختانه عمال (اس اس) با در بین آنها زنهایی یافت میشدند که هر چند بیست سال بیشتر نداشتند ولی به پیرزنت شباهت بیشتری داشتند و علتش هم کثرت اندوه و محنتی بود که تحمل کرده بودند.

یک نفر بیسر مزد، موسوم به (ربی کلوگر) از اهالی مجارستان هر چند بز اثر ضعف بنیه فوق العاده لاغر شده بود ولی خوشحالی میکرد که در ظرف تمام این مدت گوشت ناپاک نخورده و « بکمک خدا زنده مانده است »

در میان مسافرین دو نفر کودک مشاهده شد که تبلیغ بمسیحیت شده و غسل تعمید هم گرفته و اصلاً فراموش نموده بودند که اسرائیل هستند.

اطفال دیگری هم که از برکن بلسن آمده والدین خود را بکلی از خاطر برده بودند. دختری هیجده ساله بزبان (ایدیش) تعریف میکرد که نازیها میخواستند او را بروزیسایه بنشانند و پوست از سرش بکنند ولی او توانسته بود با استفاده از فن پرستاری و کار کردن در بیمارستانی خود را از شر آنها برهاند.

اکثر این بدبختها اظهار میداشتند که زندگی خود را مدیون تیب مستقل یهودی میباشند.

صد هاداستان شنیدیم و هزارها سرگذشت هم ناز شنیده ماند.

در روز ۱۱ آوریل ساعت ۳ بعد از نیمه شب

۵۷۰-

ببازداشت شدگان برکن بلسن و بوخن والد خبر رسید که امریکائیان نزدیک میشوند ... چون زندانیان تصمیم گرفته بودند خودشان آن بازداشتگاه را تصرف شوند پس نقشه‌هایی را که با کمال دقت طرح نموده بودند بمرور اجراء گذاردند.

نخستین اقدام این بود که جریان برق را از کار انداختند سپس اهالی یوگوسلاوی و یونانیهایی که در آنجا باسارت آمده بودند با پنجه‌های آهنین خود سیمهای خاردار را قطع کردند.

بفرار گذارده و مانع اجرای این عملیات نشدند پس اسیرانی که باین ترتیب آزاد شده بود بدنیاال آنها شناخته شد و تقریباً سیصد نفر از آنها را کشتند.

در این بین سربازان امریکائی سررسیده و بایشان دستور دادند که هر قدر ممکن است سعی نمایند که آنها را زنده دستگیر کنند.

ساعت هفت صبح بایشان خبر رسید که « بکلی آزاد » هستند.

امریکائیهسا بقصبه و یمار یعنی شش کیلومتر آنطرف بوخن والد رسیده بودند.

☆☆☆☆

اوضاعی را که در بندر حیفا مشاهده نمودیم وداستانهایی را که از دهانشان شنیدیم اگر بخواهیم یکایک تعریف کنیم این مختصر گنجایش آنرا ندارد زیرا هر کدام از این ۱۲۰۴ نفرهائی خود را بیک نوع معجزه یایک سلسله معجزات نسبت میدادند.

اغلب رنج دیده‌ها از اروپای مرکزی آمده و دوره بازداشتگاههای جهانی نازیها را طی کرده بودند ... در میان آنها همه نوع اشخاص مشاهده میشدند مخصوصاً کودکان و جوانانشان خیلی شایان دقت و توجه بودند.

در ظرف یازده سال گذشته طبقه جوان ارض اسرائیل را پناه و ملجاء خوبی یافته و جماعات زیادی از جوانان اسرائیل بقیه در صفحه ۵۷۳



سخنرانی آقای عبدالرحمن فرامرزی در جشن توزیع لباس دبیرستان اتحاد

این افکار غلط که زائیده افکار پوسیده مغرب زمین میباشد که دره قرن اخیر در ایران رسوخ پیدا کرده است از بین ببریم - اگر بتاریخ اسلام از بدو ظهور آن تا بحال با کمال بیطرفی و دقت ملاحظه و مراجعه فرمائید همه جاه معلوم میشود که اسلام نه فقط خصومتی نسبت بیهود نداشت بلکه بدو ادرقرآن کریم حضرت محمد (ص) نژاد یهود را مافوق کلیه نژادها دانسته است و حتی سابقاً مساوات و برابری در ایران بدرجه ای بوده است که روزگاری یهودیان در ایران وزیر

مقاله زیر خلاصه ای از سخنرانی دانشمند محترم آقای فرامرزی مدیر با شهادت روزنامه کیهان میباشد که در جشن توزیع لباس دبیرستان اتحاد تهران ایراد نمودند. ما برای اینکه جامعه اسرائیل ایران زودتر از این سخنرانی سودمند آگاه گردند عین سخنرانی را که مخبر عالم یهود تهیه نموده بود برای « روزنامه اسرائیل » ارسال داشته اینک برای ثبت در تاریخ و آگاهی خوانندگان گرام عالم یهود بچاپ مجدد آن مبادرت میشود.

داشته اند منجمله سعدالدوله که یکی از وزاری بزرگ ایران بوده است قبل از جنگ بین المللی اول هم در دوره خلفای عثمانی یهودیان در کلیه شئون سیاسی و اقتصادی آن مملکت شرکت داشته اند چنانکه سلیمانی و بوستانی وزرای فواید عامه و فرهنگ آن مملکت بوده و خدمات گرانبهائی بآنکشور نموده اند و امثال این بزرگان در اسلام و ممالک اسلامی فراوان است که فعلاً نمیتوانم مزاحم حضار محترم گردم.

ولی موضوعی که خواستم برای روشن شدن اذهان عمومی در اینجا متذکر شوم آنست که عموم باید بدانند که این نهضت آنتی سیتیسم یا ضد نژاد سامی از ده قرن قبل از اروپا ریشه گرفته و مبلغین مسیحی هر روزی به بهانه ای اول جنگ صلیبی را در دنیا راه انداختند و سپس جنگ ضد سامی را ایجاد کردند که این امر باعث کشت و کشتار های زیادی در اروپا گردید و هر روزی به بهانه ای افراد یهود را بوگروم نمودند مانند انگلیسیون اسپانیا و بوگرومهای روسیه و غیره و افکار ضد نژادی را کم کم از پانصد سال قبل که مردمان مغرب با ایران آمدند و باب مراد و تجارت و استثمار را در مشرق باز کردند با خود بارمغان آوردند و مردمان این سر زمین هم در ضمن فرا گرفتن آداب و رسوم مغربیون این فکر دوئیت و اختلاف مذهبی را فرا گرفتند بطوری که از آن تاریخ تا نیم قرن قبل شکافی بزرگ بین برادران مسلمان و یهودی ایرانی تولید گردید.

این فکر بحدی در ایران نفوذ کرد که حتی در موقع باقی در صفحه ۵۷۴



اعضاء کمیته بانوان به اتفاق آقای الیاسی در جشن توزیع لباس در دبیرستان اتحاد

این فکر بحدی در ایران نفوذ کرد که حتی در موقع باقی در صفحه ۵۷۴

گرچه نام من در برنامه ثبت نشده و حقاً نباید صحبتی بنمایم ولی از آنجائیکه دیدن این منظره امروز درمن تولیدیک هیجان و احساساتی نمود بر خود حتم و فرض شمردم که آقایان را مصدع شوم و البته حضار محترم میدانند در مورد صحبت و نطق شخص باید قبلاً برای خود پروژه ای تهیه نماید تا بتواند مطالب خود را بطور دلخواه ایراد نماید چنانکه دانشمندان فرموده اند اول اندیشه سپس گفتار ولی چون قبلاً در نظر نبوده است که صحبتی نمایم اگر نتوانم مطالب خود را خوب بیان نمایم معذرت میخواهم - با ملاحظه این وضعیت هم خوشوقت میشوم و هم متأثر خوشوقتی من از این است که مشاهده مینمایم يك عهده از ابناي این آب و خاک دست بدست هم داده باتفاق همدیگر برای کمک بهمنوعان خود برای مساعدت باطفال بی بضاعت برای ترقی و پیشرفت فرهنگ خود که نتیجه آن عاید وطن عزیز ما ایران میگردد کار میکنند و فدا کاری مینمایند و نتیجه غائی آن این است که اطفال امروزی را که پدران فردای این جامعه میباشند آماده برای زندگانی آتیه مینمایند زندگانی که توأم با شرافت و ایمان و وطن پرستی میباشد ولی متأثرم از اینکه بگویم در بین این افراد اقلیت کمی بوی جدائی میآید.

چنانکه مکرر نیز در صفحات روزنامه کیهان نوشته و بارها گفته ام افراد یهود ایرانی باید اول خود را ایرانی و سپس یهودی بدانند باید با سایر همبندان خود برای ترقی و تعالی میهن خود ایران دست بدست هم داده و متفقاً موانع سیاسی و اجتماعی را مرتفع و در امر پیشرفت فرهنگ و ترقی اقتصادی تشریک مساعی نمایند و مسلمانان و سایر افراد ایرانی هم باید این فکر سخیف اقلیت و اکثریت را از بین بردارند و تمام افراد ایرانی باید سعی نمایم که این فاصله که موجب نفاق و دوئیت و جدائی شده بوسیله تعلیم و تربیت و تبلیغ اطفال از بین برده شود زیرا خاطرة اطفال مانند آئینه پاک است و آنچه در روحیه آنها تلقین گردد زود از بین نیبرود و باید آنها را برای آتیه درخشانی تربیت و آماده نمایم باید از طفولیت اتحاد و اتفاق و وطن دوستی و ایمان بخدا را در آنها تلقین نمایم تا بمکس سابق

چنانکه مکرر نیز در صفحات روزنامه کیهان نوشته و بارها گفته ام افراد یهود ایرانی باید اول خود را ایرانی و سپس یهودی بدانند باید با سایر همبندان خود برای ترقی و تعالی میهن خود ایران دست بدست هم داده و متفقاً موانع سیاسی و اجتماعی را مرتفع و در امر پیشرفت فرهنگ و ترقی اقتصادی تشریک مساعی نمایند و مسلمانان و سایر افراد ایرانی هم باید این فکر سخیف اقلیت و اکثریت را از بین بردارند و تمام افراد ایرانی باید سعی نمایم که این فاصله که موجب نفاق و دوئیت و جدائی شده بوسیله تعلیم و تربیت و تبلیغ اطفال از بین برده شود زیرا خاطرة اطفال مانند آئینه پاک است و آنچه در روحیه آنها تلقین گردد زود از بین نیبرود و باید آنها را برای آتیه درخشانی تربیت و آماده نمایم باید از طفولیت اتحاد و اتفاق و وطن دوستی و ایمان بخدا را در آنها تلقین نمایم تا بمکس سابق

چنانکه مکرر نیز در صفحات روزنامه کیهان نوشته و بارها گفته ام افراد یهود ایرانی باید اول خود را ایرانی و سپس یهودی بدانند باید با سایر همبندان خود برای ترقی و تعالی میهن خود ایران دست بدست هم داده و متفقاً موانع سیاسی و اجتماعی را مرتفع و در امر پیشرفت فرهنگ و ترقی اقتصادی تشریک مساعی نمایند و مسلمانان و سایر افراد ایرانی هم باید این فکر سخیف اقلیت و اکثریت را از بین بردارند و تمام افراد ایرانی باید سعی نمایم که این فاصله که موجب نفاق و دوئیت و جدائی شده بوسیله تعلیم و تربیت و تبلیغ اطفال از بین برده شود زیرا خاطرة اطفال مانند آئینه پاک است و آنچه در روحیه آنها تلقین گردد زود از بین نیبرود و باید آنها را برای آتیه درخشانی تربیت و آماده نمایم باید از طفولیت اتحاد و اتفاق و وطن دوستی و ایمان بخدا را در آنها تلقین نمایم تا بمکس سابق

امروز چه روزی است

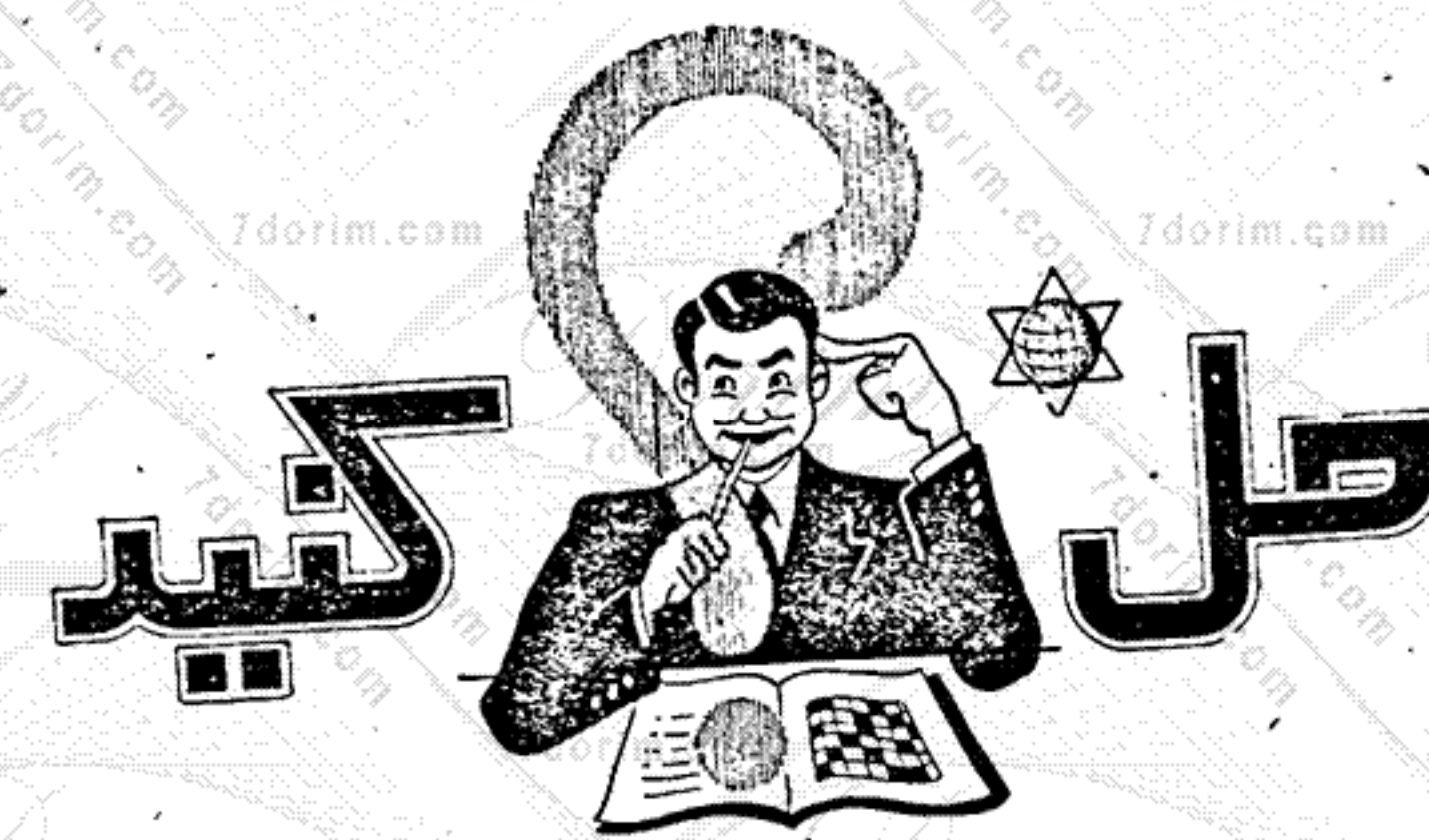
ابراهیم امروز باده ریال وجه وارد شهر شد وقتی بده مراجعت کرد ۳۰ ریال در جیب داشت در صورتی که بهای یک کلاه یکدسته گل و ویزیت دندان ساز را پرداخته بود. با دانستن اطلاعات زیر معین کنید امروز چه روزی است

- ۱- ابراهیم فقط روزهای جمعه پول دریافت میکند (البته از والدین خود)
 - ۲- بانکپارو روزهای سه شنبه و پنجشنبه و شنبه مفتوح میباشند
 - ۳- دندان ساز روزهای شنبه ویزیت دریافت نمیکند
 - ۴- مغازه ها روزهای سه شنبه بعد از ظهر تعطیل میباشند
 - ۵- روزهای جمعه در این شهر خرید و فروش نمیشود.
- جواب باید با یکریال تبر همراه باشد بدو نفر از برندگان هریک (۲۰ قسمت) عالم بهبود داده میشود.

در جدول مقابل	از ۱ تا ۷ را
طوری بکنجانید	که مجموع
ستون های	عمودی واقعی
و گوشه ها	مساوی ۲۸ باشد
گرد (توضیح	اینکه در ستون
ها اعداد نباید	تکرار شود)
طرح کننده	هدنان

«ربیع ۲۰ سعیدی» جواب باید بایک ریال تبر همراه باشد بدو نفر از شرکت کنندگان هریک بیست قسمت عالم بهبود داده خواهد شد

چیستان
کیست آن دانای نادان چیست آن گویای لال
در شواهد بی شبه و در مجافل بی مثال
نزد هرینا است بینا در بر هر کور کور
پیش هر گویا است گویا در بر هر لال لال
در بیان قادر ولیکن عاری از کام و زبان
در سخن ماهر ولیکن خالی از فکر و خیال
شهریارانرا از آن آوازه داد و دهش
پهلوانان را از آن هنگامه جنگ و جدال
دوری از آن کم گزیند طفل نادان روزوشب
دیده از آن بر نگیرد پیر دانا ماه و سال
بدو نفر هریک (۲۰ قسمت) عالم بهبود داده میشود
جواب باید با یکریال تبر همراه باشد



نتیجه مسابقه شعر پراکنده قسمت ۳۰
«زلیخا مرد از این حسرت که یوسف گشت زندانی چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی»
در این مسابقه ۱۵۲ نفر از تهران و شهرستانها شرکت نموده و ۱۳۲ نفر جواب صحیح داده بودند در نتیجه از تهران آقای موسی

عریبان و از شیراز خانی الباهو دارشان برنده شناخته شدند
نتیجه مسابقه شعر مصور قسمت ۳۰
«برک درختان سبز در نظر هویشار هرورقش دفتری است معرفت کرد کار»
۱۳۶ نفر از تهران و شهرستانها در این مسابقه شرکت نموده و از این عده ۱۱۸ نفر صحیح جواب داده اند در نتیجه از تهران آقای یعقوب اسحق زاده و از آبادان بانو اشرف نجات حیم برنده شناخته شدند

نتیجه مسابقه معمای عطار قسمت ۳۰
(وزنه ها عبارت است از ۳۰ سیر و ۹ سیر و ۲۷ سیر) در این مسابقه ۱۲۲ نفر شرکت نموده فقط ۶۴ نفر جواب صحیح داده اند که در نتیجه از تهران ناصر لاری همدانی و از اصفهان آقای اسحق یوسبان برنده شناخته شدند

نتیجه مسابقه ترجمه کیند قسمت ۳۰
چون تا بحال بیش از ۲ جواب نرسیده است این مسابقه مدت یکماه تمدید میشود

پاسخ ۲۴ اگر مادر شدید

سعادت خانواده خود را چگونه تأمین میکنید عقاید من راجع به خوشبختی يك خانواده



- ۱- ابتداء صحت و سلامت افراد خانواده
- ۲- مهر و محبت نسبت به فردا فرد خانواده
- ۳- اجراء نمودن عقاید مذهبی کم و بیش
- ۴- رسیدگی کامل بر امور خانوادگی و بررسی به عقاید و افکار هریک و ذوق سلیقه آنها
- ۵- دوست داشتن خانواده شوهر و دوشیزه استر مراد اف مهر و محبت خالصانه نسبت بانها
- ۶- بردباری و شکیبائی در کله تلخی ها و سختیهای زندگی و خوش بخت دانستن خود و خانواده زیرا خوشبختی متوجه کسانی است که معنی سعادت را درک نمایند وزن خوشبختی تنها خوشبختی خود را فراهم مسازد بلکه با سعادت خود خانواده را خوشبخت میکند (استر مراد اف)

بقیه از صفحه ۵۷۰ از بازداشتگاه داخو تا حیف

آلمانی و غیره باین سرزمین شتافتند و ما بسیاری از آنها را ملاقات کرده ایم اما هیچگاه مانند این جوانانی که از کشتی (ماتاروا) پیاده شدند ندیده بودیم. جوانان چهارده پانزده ساله بر خود میبایندند که با تقاضای خودخواهی پدر و مادر و فامیل خود پس از آزاد شدن از بازداشتگاه چندین نفر از افراد S.S را بقتل رسانیده و پیراهن آنان را بدر آورده و پوشیده اند (علامت صلیب شکسته روی آن پیراهنها مشهود بود). بعضی از این مصیبت کشیده ها اظهار میداشتند که چگونه (پدرشان در اطاق گاز آهسته آهسته جان کند یا مادرشان زنده زنده در کوره انداخته شد یا برادرشان که از شدت گرسنگی یک قطعه چغندر دزدیده بود پیش چشمشان تیر باران گردید ۰۰۰۰ الخ. چند نفر از آنها آستین یاسینه خود را نشان میدادند که روی آنها نازنها اسم و شماره آنها را با آتش سوزانیده و نقش کرده بودند. جوانی (موشه) نام گوش بریده خود را نشان داده و میگفت (من از اهل مجارستان و هیفده ساله هستم موقعی که سر بازان امریکائی نزدیک به برکن بلسن شدند یکی از افراد S.S سعی کرد قبل از فرار مرا بقتل رساند خوشبختانه تیر از بیخ گوشم رد شد و فقط قسمت کوچکی از آنرا از بین برد.)

تقریباً همگی آنها از طرز رفتار امریکائیا اظهار امتنان نمودند و یکی از آنها اظهار داشت (شما نمیدانید خوشروئی و لبخند چه تأثیری در قلب ما دارد. مدتهای مدید بود که ما در بازداشتگاه جز صورت عبوس و چهره هائی عصبانی هیچ چیز نمیدیدیم. اغلب در میان خانواده هائی که بازداشت شده بودند دعا و مرافعه راه میافتاد. فقط وقتی امریکائیا آمدند ما معنی خوشروئی و مهربانی را فهمیدیم خورا کهایشان هم خیلی خوب بود.)

جوان هیفده ساله ای موسوم به (مرد خای) چند روز پس از اینکه این ۱۲۰۴ نفر خلاص شده و در یکی از کنیساها اجتماع نموده بودند گذشته و آینده جوانان را بشرح زیر خلاصه نموده گفت (ما جوانانی که از بوخن والد آمده ایم تمام مصائب وارده بر ملت اسرائیل را بچشم دیده ایم زیرا نزدیک بود خودمان هم بودیم و روزی که امریکائیا ما را آزاد کردند چیزی بیش از یک کیسه استخوان از ما باقی نمانده بود و تمام معنی مرده متحرک بودیم پوست بدنمان مثل موم زرد شده و هر کس مانگامیکر در هراس مینمود. تقریباً نود درصد از ما از پدر و مادر یا خواهر و برادر و سایر کسان خود محروم شده ایم خیلی ها حتی بیاد نمی آورند که پدرشان چه شکلی داشته بسیاری از ما مدت شش سال است که از تحصیل باز مانده ایم.

فلا خیلی چیزها کسر داریم ولی فقط شجاعت خود را از دست نداده ایم. هر چند در فرانسه بما وعده و نویده های خوش داده وسیعی کردند ما را نگاهدارند ولی نپذیرفتیم زیرا میخواستیم بصیون بیایم زیرا فقط اینجا است که میتوان خانه حقیقی ما باشد و باین جهت همگی بایک صدا پاسخ دادیم (ارص اسرائیل) و هنوز هم بر سر عقیده خود باقی هستیم.

فرهنگ دانش

بقیه از صفحه ۵۶۴

بوجود بیآوریم و آنچه را که امروز داریم اصلاح کنیم با در نظر گرفتن تمام احتیاجات و مقاصدی که بجز از این راه درک آن غیر مقدور است مجبوریم که اصلاحات اساسی و مؤثری در سازمان فرهنگی - در تشکیلات تربیتی یعنی وسایل و دستگاههای آموزش و پرورش خود بعمل آوریم تا حصول مقصود امکان پذیر گردد.

افرادی که علاقمند به بیداری جامعه اسرائیل ایران هستند - جوانان و روشنفکرانیکه از ثمره دانش برخوردار شده اند و آنان که قدر علم و ارزش دانش را میدانند و بالاخره کسانی که حقیقه میخواهند فرهنگ ملی ما را توسعه دهند باید بیش از همه این معنی را درک کنند. باید زودتر از همه قدم اصلاحی حقیقی را در این راه بجلو بگذارند.

باید برای معلوم کردن ارزش حقیقی خود و نجات برادران و خواهران خود که با آنها راه مشترک دارند هر چه زودتر از این راه اقدام کنند.

ارتقاء و توسعه فرهنگی ما وابسته به مجاهدات روشنفکران و جوانان است که در این راه کوشش کنند. در این راه ما - همراه بالیمان - دوست صادق آنها و خدمتگزار جامعه اسرائیل خواهیم بود.

بقیه از صفحه ۵۶۵

بنام «هزار بودا» در سال ۱۹۲۱ و دومی در ۳ جلد و یک مجموعه نقشه های عالی در ۱۹۲۸ منتشر شدند. اشتین شرح کامل مسافرتها و کاشفایش را در این ۵ جلد و کتاب «ویرانه های دشت خشا» بخوبی شرح میدهد. کتاب اخیر در سال ۱۹۱۲ منتشر شد. پس از تحقیقات زیادی در آسیای مرکزی بسواحل چیچون و ایران رهسپار شده و از راه جنوب ایران بهرات و سیستان و از آنجا با قافانسان و سپس به بلوچستان رفته و تحقیقات علمی خود را ادامه داد.

در سال ۱۹۲۷ دو مرتبه به هندوستان و شمال بلوچستان مراجعت کرد و در آنجا توانست آثار گرانبهای بدست آورد در سالهای ۳۴-۱۹۳۲ برای دومین بار بایران آمد و تحقیقات خود را تا ارومیه و همدان ادامه داد و راجع بانار و اسیه دوزه ساسانی و اسلام کشفیات بزرگی نمود و بعلاوه میدان جنگ اربل و قلعه سنگی ارنس را پیدا کرد در سال ۱۹۴۳ در افغانستان میزیست و در ۲۸ اکتبر همین سال در کابل وفات یافت.

این مرد فعال و سرد بار در دوران زنده گسی خود با طبقات و ملل مختلفه و نژادهای متنوعی برخورد کرده و تحقیقات بزرگی در تاریخ و تمدن و آثار آن ملل نموده است. اشتین از این کشفیات خود ابدأ استفاده مادی ننمید بلکه فقط عشق و محبتی که بجستجو و تفحص آثار باستانی داشت او را وادار باین کار کرد. تا آخر عمر بکار خسته کننده خود ادامه داد تا اینکه سر انجام در ردیف خاورشناسان مشهور برآمد.

ما این مهن عزیز خود را آباد کرده و به نیسا خواهیم فهمانید که نخواهند توانست آنرا ویران نسایند... آبادی ارض اسرائیل وظیفه وجدانی ما است.

آقای موشه شرتوک خاطر نشان نمودند که نهضت صیونسم ۳۵ سال قبل از اعلامیه بالفور شروع شد و صیونیستها از همان موقع اقداماتی کردند که با اعراب توافق نظر حاصل کنند مثلا دکتر وایزمن سعی کرد که با امیر فیصل پادشاه عراق عهد نامه ای منعقد نماید و موفق شد (عکس از آن عهدنامه را در انجمن ارائه نمود). در این عهد نامه بخط خود آن مرحوم نوشته شده که اگر اعراب استقلال خود را بدست آورند مشارالیه بامندرجات این مدرک موافقت خواهد داشت و در غیر اینصورت نامبرده بهیچوجه ملزم نخواهد بود. در کنفرانس صلح (پاریس ۱۹۱۹) تمام اعراب استقلال کشور های خود را تقاضا نمودند باستثنای فلسطین « بعلت اینکه این کشور جنبه بین المللی دارد و تمام ادیان در آن ذیعلاقه هستند »

آنگاه آقای موشه شرتوک گزارش داد که اسرائیلهای چه مساعی بکار بردند برای اینکه با اعراب موافقت حاصل کنند و ضمناً شرح داد که کارمندان دولت انگلیس بهیچوجه روی رغبتی برای این منظور نشان ندادند. حتی از سال ۱۹۳۶ که اغتشاشات فلسطین خیلی سخت شد باز هم اسرائیلهای کوشش ها نمودند و خود آقای شرتوک با اعراب وارد مذاکره شد ولی چون دولت انگلیس نقشه کمیسیون (پیل) را رد کرد دوستان عرب از ادامه مذاکرات خودداری نمودند.

در این بین آقای کرام عضو کمیسیون از مستر شرتوک پرسید « آیا در آن موقع اسرائیلهای با نقشه تقسیم فلسطین موافق بودند » جواب داد « برعکس بکلی مخالف بودند اما کنگره صیونست سال ۱۹۳۷ تصمیم گرفت که موضوع را دقیقاً بررسی نماید »

در کنفرانس سال ۱۹۳۹ لندن اعراب درخواستند با اسرائیلهای در یک مجلس نشسته صحبت کنند و باین جهت نتیجه ای بدست نیامد.

آقای شرتوک اظهار داشت که جنگ اخیر نیات واقعی زمامداران عرب را آشکار ساخت آنگاه اظهارات مفتی فلسطین را در رادیوی برلن متذکر گردید که گفته بود اعراب وظیفه دارند در پشت صفوف و خطوط بریتانیا همه جادست با اقدامات خراب کاری بزنند « بعد شرح داد که مفتی نامبرده از عده ای از اسرای جنگی عرب تشکیلاتی تهیه نموده و با اختراعاتش آلمان گذاشت و نیز هنگامیکه در یوگوسلاوی مسافرت مینمود بسلیمانان آنجا دستور داد که تمام اسرائیلهای آنجا را قتل عام نمایند سپس رشته بیانات خود را بموضوع همکاری بین اسرائیل و عرب کشیده و گفت « مخصوصاً در شهرهای بزرگ که اهالی اسرائیل و عرب با هم مخلوط هستند و همچنین در امور کشاورزی (تحقیقات و آزمایشات) و در امور تربیتی (برای فرا گرفتن زبان) حسن تفاهم و همکاری زیادی بین این دو ملت موجود است ولی باید دانست که هر چند زبان عربی در مدارس اسرائیل تدریس میشود ولی زبان عبری در هیچ یک از مدارس دولتی تعلیم نیگردد. امروز اسرائیلهای دنیا جای خود را در خاور نزدیک مطالبه میکنند. ما فلسطین آمده ایم که اینجا بمانیم اگر اسرائیل موفق به تأسیس کشوری در فلسطین شود این اقدام بهیچوجه تهدید و ترسی برای آزادی کشورهای عرب در بر نخواهد داشت و نیز برای اعراب مقیم فلسطین هم صحبت از اقلیت در بین نخواهد بود بعلت اینکه اینها متصل به یک اکثریت متناهی از اعراب کشورهای مجاور خواهند بود »

آنگاه آقای شرتوک وضعیت اقتصادی و اجتماعی قضیه فلسطین را در پیش کشیده و اظهار داشت که در فلسطین میزان دستمزدها بالا رفته و هر چند که ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ دو نام زمین بدست اسرائیلهای افتاده معهدا هیچیک از اعراب از زمین خود محروم نگردیده است و وقتی که صحبت

از دشتهای ساحلی بیان آمد آقای شرتوک يك قطعه از اظهارات دکتر وایزمن را نقل کرد که گفته بود « اسرائیلهای توانستند خاکینه بزرگی درست کنند بدون اینکه حتی يك تخم مرغ عرب را بشکنند. و اگر به اصل قضیه نگاه کنیم اسرائیلهای در همان تابه يك خاکینه بزرگ عربی هم تهیه نموده اند » یعنی رقابت اعراب را تحریک نمودند تا در آبادی نواحی ساحلی فلسطین کوشش نمایند. سپس از سختی مقررات مربوط به استقلال صحبت کرد و گفت که این قانون جنگجویان سابق یهود را از داشتن زمین محروم میسازد علیهذا باید کشور یهود تشکیل شود زیرا در غیر اینصورت (کانون ملی یهود را ممکن نیست بطور واقعی حیات نمود مثلاً همین عمل تحریم امتناع اسرائیل از طرف کشورهای عرب کاری است که از طرف دولت فلسطین هیچ عکس العملی نسبت به آن نشان داده نشده است

یکی از اعضای کمیسیون (مستر کریک) اشعار داشت که در قانون مستقلات مربوطه بمنطقه (الف) نه یکتفر انگلیسی و نه يك تفر عراقی هیچکدام حق خرید زمین ندارند چون از اعراب فلسطین نیستند آقای شرتوک جواب داد « صحیح است و همین طور هم باید باشد ولی متأسفانه این ممنوعیت فقط نسبت به اسرائیل اجراء میشود » یکتفر پرسید « احتیالاً اگر روزی آژانس یهود از رسمیت افتاده و غیر قانونی شمرده شود چه خواهد شد ؟ » آقای شرتوک جواب داد که فرضاً اگر دولت انگلیس آژانس یهود را برسمیت نشناسد معهدا این اداره منحل نخواهد شد بعلت اینکه مؤسسه دارای دو وجه است ؛ داخلی و خارجی و ملت یهود وجوه آن را می پردازد. ۵۰ سالها قبل از این که دولت انگلیس قیومیت فلسطین را بعهده بگیرد این سازمان جهانی صیونیستی همچنان وجوه داشته است و فرضاً اگر این شناسائی رسمی را از او سلب نمایند معهدا کک مالی اسرائیل دنیا روز بروز بیشتر بدو خواهد رسید. آنگاه صحبت از همکاری آژانس یهود با دولت قیم بیان آمد و مستر شرتوک گفت « مادامیکه سیاست دولت قیم سعی میکند (که کانون ملی یهود) را بسط دهد. ما هم باوی همکاری کردیم ولی از وقتیکه کتاب سفید بواقع اجراء گذارده شد ما دیگر وظیفه خود دانستیم که از تشریک مساعی خود بکاهیم با وجود اینها در مسائلی که مربوط بکتاب سفید نبود ما هنوز هم با دولت قیم همکاری کرده ایم مثلاً هنگامیکه سرباز برای ارتش لازم شد ما هم سهم مساعدت خود را برای پیروزی در جنگ انجام دادیم »

بقیه از صفحه ۵۷۱ سخنرانی آقای فرامرزى مشروطیت در موقع تاسیس کاخ عدل و عدالت یعنی تاسیس مجلس شورای ملی در قانون اساسی برای افراد این مملکت فرق قایل شدند و اقلیت و اکثریت ایجاد کردند در مقابل قانون تمام افراد يك مملکت مساوی هستند و چه مانعی دارد اگر یکتفر یهودی که ایرانی است و لیاقت و کالت یا وزارت را دارد. باین مقام انتخاب شود. بهر جهت من در اینجا نمیخواهم منظور غامی اجنبی هائی را که این افکار را در بین افراد این کشور باشکال مختلفه تلقین نموده اند بیان نمایم ولی میخواهم اینطور نتیجه بگیرم که چون مسلمان و یهودی و مسیحی و زردشتی تمام افراد این آب و خاک هستیم باید در تمام شئون آن شریک و سهیم باشیم مانند افراد يك خانواده در مصائب و خوشبها باهم شریک نمائیم. امیدوارم که این نظریه عمومیت پیدا کند و عموم افراد ملت ملتفت شوند که همه یکی و برای يك منظور و آنهم ترقی و تعالی وطن ما ایران تشریک مساعی نمایم - کتب زدن ممتد حاضر

گو شهای از زندگی فیلون فیلسوف معروف ایتالیا

(خلاصه از شماره های پیش فیلون برای)
(فرا گرفتن فلسفه یونان خود را بلایی زده)
(شکل خدمتگوار وارد دانشگاه یونان)
(گردنبوس از سه سال موفق بفرآ گرفتن)
(علم فلسفه و دادن امتحان گردید و)
(شبانه سوزی وطن خود فرار نمود ولی)
(در اورشلیم بجای اینکه وزیر اعلیٰ (از)
(او استقبال نمایند باو بی اعتنائی نمودند)
(و پهر سو که روی می آورد او را از)
(خود میراندند)

باری فیلون از منزل مجتهد دوان - یونان فرار نموده رو بکوچه و بازار ها آورد بدون اراده بهر سوئی میرفت و با خود دیوای وار بلند بلند حرف میزد و بر زمین و زمان فرین میکرد از یکطرف دیدن اوضاع و ناظر دلخراش ملت و از طرف دیگر سر گرمی بزرگان و رؤسای قوم و مجتهدین منی کهنه به می گساری و پول پرستی افکار او را مشوش گردانیده بود و سرشک از دیدن گاش مانند باران بهاری بروی گونه هایش جاری بود و نیدانست چه کند و بکجا روی آورد تمام درهای امید را بر خود بسته دید بخواست فریادی کند از مردم استمداد نماید ولی فوراً بحال آمده متوجه شد که در پس ناامیدی ها بسی امید و از بی شتاب روز روشن خواهد بود بهر جهت دل خود را بخدا داده و بطرف بازار روان گشت و این سو و آن سو نظاره مینمود و کوچکترین حرکات عابری و دکاندار را از نظر کنجکاو خود میکشید و در این اثنا در بازار چشمش به لعاف دوزی افتاد که مشغول زدن پنبه بود فیلون تا این شخص را دید مات و مبهوت و بدون اراده بجای خود میخکوب شده و او را نظاره نمود و بطوری او را نگاه میکرد که نزدیک بود دید گانش از حدقه بیرون آید. آه! این همان شخصی است که در خواب دیدم و این همان مردی است که مرا از گرداب آب نجات داد. این پنبه زن مردی نوی هیکل ، نورانی دارای ریشه های سفید بلند گونه های گلگون سینه یهن و فراخ اندامی لوزن و با کمال مهارت مشغول زدن پنبه بود پنبه زن چشم خود را گامگاهی از روی



داود نظریان فرزند آقای خ. نظریان سه سال و هشت ماهه متولد تهران پسر عموی فرشته نظریان که عکسهای ایشان را قبلاً دیده اید

گفت آقا چه میخواهی در این موقع فیلون بحال خود آمده تبسمی کرده با کمال احترام سلامی داده گفت افسوس میخورم که چرا خداوند هیکل تو را نصیب من ننمود والا می دیدی چگونه این مملکت را زیر و رو میکردم پنبه زن که از این مطالب چیزی نیفهمید گفت مگر تو کیستی اگر هیکل مرا میداشتی چه میکردی
فیلون - من یکی از علمای بزرگ امروزه هستم و ۰۰ پنبه زن - (خرف او را قطع نموده گفت) برو بابا

خدا یدرت را بیامزد آدم فقط است که عالم و علامه باشد که توی بدیک و پوز خود را علامه قلمداد مینمائی. فیلون - تو که بیچاره هستی و باید از درد من باخبر باشی اینطور حرف میزنی پس وای بحال من تو مانند مردم این شهر نگاه بظاهر من نکن یا واز باطن من باخبر شو و بدان که خداوند تبارک و تعالی در نهاد من گنجینه ای از علم نهفته است و باید این دینه بوسیله تو باین مردم بی خبر از همه چیز این مردمی که جز لپو و لب و پول پرستی هیچ کار دیگری ندارند داده و عرضه شود سخنان فیلون در قلب لعاف دوز اثر نیکوئی بخشیده و گفت من بشا چه میتوانم بکنم.

فیلون - حاضر تمام هزینه تو و خانواده ات را بپردازم و مبلغی هم بابت پس انداز بدهم مشروط اینکه طبق دستور من رفتار کنی پنبه زن - چگونه من بحرف های تو اعتقاد داشته باشم و از کجا که عملیات تو روزی باعث بدبختی و بیچارگی من و فامیلم نشود.

فیلون - این جا نمیشود تمام مطالب را گفت در منزل باهم مفصلاً صحبت میکنیم و اینهم مختارچ امروزت این بگفت و مبلغی به پنبه زن داد و از نیز بلند شده دکان را بست و عقب فیلون روان گشت

وارد منزل شدند فیلون گفت من فقط بتو این جمله را یاد میدهم « بنام خداوند بخشنده مهربان » و در هر مجلس و هر کجا و هر شخصی که رسیدیم و هر سوالی که از تو کردند تو ابرو هارا گره کرده اوقات را تلخ نموده و جمله بالا را با صدای بلند بگو و دیگر باقی بامن پنبه زن تمام سیاست و نقشه فیلون را دانست و حاضر بانجام دستور شد مشروط بر اینکه تعهد نماید خطری متوجه او نگردد و فیلون هم قبول نمود.

هر دو باهم بسوی بازار روان شده و چند دست لباس ملایمی خیلی عالی عبا و قبا و کفش و عمامه و عصا و غیره و اسب قشنگی برای پنبه دوز خریدند و بسزل آمدند و فردای آنروز در بازارها نوکر فیلون بطور منادی جار زد ایردم بدانید بزرگترین علما و مجتهد اسرائیل وارد شده و شنبه بعد از ظهر در صحن خانه مقدس موعظه خواهند فرمود.

فضولی بیجا

دوستان عزیز دفعه قبل وعده داده‌ام که راست و رک و پوست کنده باشم اما حرف بر زمین نمی‌هرکجا عیبی از لحاظ اجتماعی بنظر من رسید بدون ریب و ریا بگویم. اما ازکی و از کجا شروع کنم؟ در دو موقع آدم زبانش بند می‌آید یکی وقتی که چیزی نداره بگه و یکی موقعیکه گفتنی زیاد داره. وضعیت من درست مثل قسمت دومی است هرکجا رامینیم عیب است و بپهرچه دست می‌گذازم بدترین بود که مدتی فکر کردم و عقلمو کش دادم تا تونسم سرفرزه را و آکنم یعنی تصمیم گرفتم از هیئت تحریریه همین کتابچه شروع کنم اما بچون داش رک گو که شاهما همه میدونید چقدر باو علاقه دارم ترسیدم دکون مارا تخته کنن و روی کاغذما بنویسن فضولی موقوف و از این دفعه نوشته های مرا تو دفترچه شون چاپ نکنن البته اونم چندون عیبی نداره اما من چون گفتنی زیاد دارم حیقم اومد باین زودی قلم را غلاف کنم این بود که تصمیم گرفتم اول از نویسنده‌ها شروع کنم بعداً سرفرست خدمت هیئت نویسندگی هم برسم.

باری نویسنده‌های این دفترچه اکثراً مثل اینکه برض فراموشی مبتلا هستند مطالب را کاهی ناقص می‌گذارند و بعضی جملات را از قلم می‌اندازند گاهی اوقات در وسط یک مقاله یک قطعه عکس می‌اندازند و فراموش میکنند بنویسند متعلق به پهلوان یا نویسنده مقاله است یا اینکه از عکاسخانه سرگذر برای زینت نوشته شان فرضی گرفته‌اند موضوعی که اخیراً نظر مرا بخود جلب کرد مقاله‌ای بود در صفحه ۵۳۸ قسمت ۳۲ تحت عنوان باچه اشخاصی میتوان ازدواج کرد که بقلم آقای دکتر کامروا طبع شده بود.

خواندن این نامه مرا یاد یکی از کتابهای معارفی انداخت که زیر یکی از صفحاتش نوشته بود این صفحه دارای چند غلط عددی برای سنجش هوش شاگردان است آقای دکتر هم نوشته‌شان عیناً شبیه آنصفحه بود اما فراموش کرده بودند بنویسند این مقاله دارای یک اشتباه لپی برای سنجش خوانندگان است و گرنه نمیتوانم باور کنم یک نفر بیکتر دیلیه سهواً همچو اشتباهی کرده باشد. امید وارم کلیه خوانندگان موفق به پیدا کردن اون اشتباه شده اند. با این حال اگر کسی توجه نکرده باشد من در این جا عین همان مطلب را با ذکر دلیل غلط بودن برض مبارکشان می‌رسانم.

«ازدواج بین اشخاص هم خون - سابقاً اینطور تصور میکردند که مسئله هم خون در اخلاف موجب مضار و عوارضی از قبیل اختلالات عصبی فراموشی حیق و غیره شود لکن امروزه اینطور معتقد شده‌اند که ازدواج اشخاص هم خون از لحاظ تولید نسل برای اطفال خطرناک نیست مگر اینکه والدین هر دو دارای عوارض و آثار مشابهی باشند مثلاً والدین هر دو ضعیف و یا هر دو دارای عوارض عصبی باشند که در اینصورت عوارض نامبرده از راه ارث بطفل سرایت میکند.»

خوب آقای دکتر محترم اولاً بفرمائید ببینم در این دوره کی جرات کرده است که بدون ذکر هیچ دلیل کلیه قوانین اجتماعی و قوانین منهی و اصول بهداشتی را زیر پا گذاشته و معتقد شود ازدواج مابین دو همخون در صورتیکه هر دو سالم باشند از لحاظ تولید نسل عیبی ندارد، مطابق فرضیه شما ازدواج خواهر با برادر در صورتی که عوارض و آثار مشابه عصبی و یا ضعف مزاج نداشته باشند مانعی ندارد.

رفیق ناشناس عزیزم مگر نمیدانید قوانین منهی ما باچه مطالعه و دقتی وضع شده که در مدت سه هزار سال نه فقط مورد تصویب کلیه بیخبران الوالعظم و رهبران عالیقدر بشر واقع گردیده بلکه هیچک از عیویان هم نتوانسته‌اند ایرادی بانها بکنند و مگر نمیدانید که کتاب مقدس تورات صفر لاویان باب ۱۸ آیه ۶ میفرماید.

«هیچکس باحدی از اقربای خویش نزدیکی ننماید تا کشف عورت او کند من بهوه هستم «آبشما اشخاص همخونی میتوانید پیدا کنید که بیکدیگر بستگی نداشته و از یک قایل نباشند؟ باضافه میفرمائید «مگر اینکه والدین همخون هر دو دارای عوارض مشابه عصبی و یا ضعیف باشند» آقای دکتر آیا اگر والدین همخون نباشند و هر دو دارای عوارض مذکور باشند شما اجازه ازدواج به آنها میدید. آیا اگر والدین غیر همخون هر دو دارای مرض جنون یا سرع باشند در نسل آنها بی‌اثر خواهد بود و فقط همخونی است که وسیله سرایت بیماری از والدین باطفال میشود؟

از هیئت نویسندگی این دفترچه تقاضا میشود اگر کسی تاکنون باین اشتباه بی‌برده است نیست

بشارت به دانش آموزان دبیرستان

خانمی خارجی که دیپله اوئیورر می‌باشد و استاد سابق دانشکده ترکیه حاضر است مجاناً بدانش آموزان سیک دوم متوسطه اسرائیل فرانسه یاموزد شرایط اول

- ۱- آئونه بودن عالم یهود.
 - ۲- سیردن تعهد برای ادامه تحصیل.
 - ۳- دارا بودن تصدیق سیکل متوسطه.
- داوطلبان تقاضا نامه و تعهد نامه را بدفتر عالم یهود ارسال دارند.

مترجم زبان عبری

برای ترجمه مطالب و مقالات عبری و یهود احتیاج به مترجم داوطلب دارد از طریق خواهش میشود روزهای دوشنبه و چهارشنبه و جمعه از ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر بدفتر عالم یهود مراجعه نمایند.

اخطار به مشترکین عالم یهود

از مشترکین محترمی که هنوز تا بعد وجه اشتراك خود را نپرداخته‌اند خواهش میشود که آنرا بوسیله پست یمه به آدرس جدید عالم یهود واقع در سرای خیام خیابان سپه روبروی پستخانه جنب مسافرخانه بنده ارسال دارند.

آگاهی از طرف کانون خیر خواه

از اشخاصیکه برای ساختمان زایشگاه نذر نموده‌اند که مصالح ساختمانی تحویل نمانند خواهشمند است مصالح را هر چه زودتر بدفتر محل ساختمان تحویل فرمایند.

گراورسازی شرکت سهامی چاپ و نشرت شمساعت بهترین گراور را تهیه کنید

قسمت از این دفتر را که تا کنون فروش نرفته بعنوان جایزه بادرس تهران و فضولیاشی ارسال فرمائید بکریال تبر هم طلب شما. مخلص همگی فضولیاشی

هیئت تحریریه عالم یهود بی نهایت خوشنود است که رفقای عزیز هر گونه انتقادی دارند بامنطق و دلیل برای ما بفرستند (فقط فضولی در معقولات موقوف است.)

عالم یهود

نشانی دفتر
تهران
خیابان سپه مقابل پستخانه
عنوان تلگرافی
«هاعولام»

بشارت به دانش آموزان دبیرستان



رجوع شود به صفحه ۱۸۵